

بیانیه نشست کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره آخرین حوادث کشور



هم‌میهنان گرامی! ما در هفته‌های اخیر رویدادهایی تاریخی و بسیار حساس در میهن‌مان شاهد بوده و هستیم. خیزش گسترده مردمی برضد رژیم ضد مردمی و عمیقاً فاسد و ظالم ولایت‌فقیه چنان ابعاد گسترده و دامنه‌داری به‌خود گرفته است که حتی سران رژیم نیز از انکار آن عاجزند و افرادی همچون محسنی اژه‌ای که در جنایت علیه مردم و نیروهای آزادی‌خواه کشور پرونده سنگینی دارد از ضرورت گوش دادن به اعتراض کنندگان و گفتگو با آنان سخن می‌گوید. فاجعه جان باختن فقیع مهسا امینی به دست جنایتکاران حکومت

ادامه در صفحه ۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

نخستین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از برگزاری هفتمین کنگره حزب (کنگره خاوری)، با گرامی داشت هشتاد و یکمین سالگرد بنیادگذاری حزب در مهرماه ۱۴۰۱ برگزار شد. محور اساسی بحث‌ها و تبادل نظرهای نشست کمیته مرکزی به بررسی رویدادهای ایران و جهان و خصوصاً خیزش مردمی هفته‌های اخیر برضد رژیم استبدادی ولایت فقیه اختصاص داشت. نشست کمیته مرکزی پس از بررسی آخرین رویدادها قرار انتشار بیانیه‌ای را در مورد شرایط حساس کشور تصویب کرد. بخش دیگر تبادل نظرهای نشست کمیته مرکزی به دریافت گزارش شعب تبلیغات، تشکیلات، مالی، روابط بین‌المللی، کمیسیون‌های کارگری و زنان حزب، و گروه کاری مربوط به نشریات حزب اختصاص داشت. پلنوم کمیته مرکزی با بررسی چگونگی تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی حزب از جمله فعالیت‌های حزب در فضای مجازی تصمیم‌های مشخصی را برای تشدید هماهنگی فعالیت‌های تبلیغاتی حزب در فضای مجازی اتخاذ کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران اول آبان ۱۴۰۱

- اطلاعیه حزب توده ایران درباره فاجعه آتش سوزی در زندان اوین ۳ ص
- همبستگی حزب‌های کارگری و کمونیستی جهان با مبارزه مردم ایران ۱۰ ص
- بیانیه مشترک تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با سازمان‌های زنان ۱۲ ص

مدرن‌سازی
چین ادامه
می‌یابد
ص ۱۶

بالا رفتن نرخ بیکاری زنان نتیجه تبعیض جنسیتی و سیاست‌های ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی است! ۳ ص
زندگی و مشکلات مردم در سند راهبرد (استراتژی) امنیت ملی بایدن، چین مورد هدف امپریالیسم ایالات متحده قرار گرفته است ۱۳ ص
انتخاباتی با اهمیت تاریخی در برزیل ۱۴ ص

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۱۶۷، ۲ آبان ۱۴۰۱
دوره هشتم، سال سی و نه

با انکار و واقعیت‌های عینی مبارزه ضد دیکتاتوری را به پیش ببریم

در چند هفته اخیر، در مبارزه با دیکتاتوری "اسلام سیاسی" برای تحقق آزادی‌های اجتماعی و فردی گامی بسیار مهم برداشته شده است. طی چند هفته گذشته، خیزش‌های دلورانه بخش‌های چشمگیری از جامعه، به‌ویژه اعتراض‌های گسترده زنان و جوانان، اثر مثبت عمیقی و برگشت‌ناپذیری بر بیداری و آگاهی و حق‌طلبی جامعه گذارده است. به‌رغم سرکوب‌های خشن و اقدام‌های شدید امنیتی-رسانه‌یی و ضداطلاعاتی جمهوری اسلامی، دادخواهی و اعتراض‌های مردمی به شکل‌های گوناگون، از جمله به صورت حرکت‌های اعتراضی صنفی، ادامه دارد و هر روز بیش از پیش حکومت ولایتی را به چالش می‌کشد. روند اعتراض‌های جاری، که ادامه سال‌ها مبارزه در جبهه‌های متعدد با ارتجاع حاکم است، اساساً متوقف‌نشده‌ای شده و امکان حرکت‌های سازمان‌یافته و مؤثرتر در داخل کشور و تغییر توازن نیروهای اجتماعی-سیاسی به سود جنبش مردمی را فراهم آورده است.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

بالا رفتن نرخ بیکاری زنان نتیجه تبعیض جنسیتی و سیاست‌های ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی است!

خارج کردن زنان از محیط کار و فعالیت‌های اجتماعی و راندن آنان به گوشه عزلت و تنهایی اقدامی است برخاسته از دیدگاه ارتجاعی و واپس‌مانده اسلام فقه‌ای درباره زنان، دیدگاهی که در آن هیچ‌گونه ارزش و حقی شایسته شأن انسانی برای زنان میهن‌مان قابل نیست.

بنا بر آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در تابستان گذشته با "کاهش" روبرو بوده است. بنا بر این گزارش، نرخ بیکاری ۰/۷ درصد کاهش یافته بود، با این حال، نرخ بیکاری برای زنان همچنان رو به افزایش است، روندی که در چند دهه گذشته سبب صوری داشته است و همه روزه تعداد بیش‌تری از زنان میهن‌مان را از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا در واقع زندگی طبیعی محروم کرده است.

این آمار جعلی مانند دیگر آمارهای رژیم فاصله‌ای بسیار با واقعیت دارد و ارایه آن تنها برای پنهان ساختن واقعیت تلخ وضعیت ایجاد شده از سوی رژیم است، وضعیتی که زندگی مردم میهن‌مان به‌ویژه زنان را به فاجعه‌ای مدام تبدیل کرده است. همچنین بر اساس گزارش فصلی مرکز آمار کشور، تعداد زنانی که در بخش صنعت شاغل بودند در مدت دو سال گذشته حدود سیصد هزار نفر کاهش یافته است، در حالی که در همین مدت حدود سیصد هزار نفر به تعداد مردان شاغل در صنعت اضافه شده است. در بخش کشاورزی نیز این آمار حاکی از آن است که ۳۳ درصد از زنان در این بخش کار خود را از دست داده‌اند.

کاهش اشتغال زنان در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی پدیده‌ای نو نیست و همواره روندی رو به بالا داشته است. در گزارشی که در مجله "تجارت فردا" در سال ۱۳۹۵ منتشر شد، آمده است: "نتایج برآوردهای انجام‌شده برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که مردان شهری پس از اینکه تصمیم به ورود به بازار کار می‌گیرند، با احتمال ۲۸ درصد بیکار می‌شوند. این رقم برای زنان شهری ۳۹ درصد است. ... طی دو سال منتهی به تابستان ۱۳۹۵، به‌طور متوسط سالانه ۵۱۱ هزار نفر از زنان کشور به بازار کار وارد شده‌اند که از این تعداد ۷۵ درصد شاغل و ۲۵ درصد بیکار شده‌اند. بنابراین طبیعی است که نرخ بیکاری آنان افزایش یابد" [تجارت فردا، ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۵].

بنا بر همین گزارش، خطر بیکاری برای زنانی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و وارد بازار کار می‌شوند بیشتر است: "احتمال بیکار شدن غیرفعالان دارای تحصیلات دانشگاهی نزدیک به ۵۰ درصد و بیش از ۵/۲ برابر احتمال بیکار شدن غیرفعالانی است که تحصیلات دانشگاهی ندارند. یعنی دارا بودن تحصیلات دانشگاهی سبب می‌شود احتمال بیکار ماندن افراد پس از تصمیم برای ورود به بازار کار به‌میزان قابل‌توجهی افزایش یابد." هرچند که در برخی از آمارهای منتشر شده به افزایش مشارکت زنان در بازار کار اشاره می‌شود [همانجا]، با این حال چنین افزایشی به دلیل موجود بودن موقعیت‌های شغلی کافی برای زنان نیست، بلکه به دلیل سوءاستفاده کارفرماها در پرداخت دستمزد و حقوق کمتر و استثمار بیش‌تر زنان در برابر کار مشابه مردان است. زنان میهن‌مان به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی تحمیلی و نیاز به وارد شدن در بازار کار و برای تأمین معاش زندگی خود و خانواده، به‌ویژه زنان سرپرست خانواده، ناچار می‌شوند تا با دستمزدی کمتر و تحمل محروم ماندن از حقوق قانونی‌شان شرایط تحمیلی از سوی کارفرماها را بپذیرند، یعنی آنچه سبب فقر فزاینده در میان زنان شاغل و به‌ویژه زنان سرپرست خانواده شده است.

سایت "پایگاه خبری نسیم رضوی" در گزارشی می‌نویسد: "مطابق آمار رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از سال ۸۵ تا ۱۴۰۰ تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. گزارشات وزارت رفاه در سال ۹۷ از این حکایت داشت که در آن زمان، حدود ۳۳ درصد از زنان سرپرست خانوار در ایران زیر خط فقر قرار داشتند، اما با توجه به تورم سه سال گذشته اقتصاد ایران و عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، بعید نیست که در شرایط کنونی حداقل ۵۰ درصد زنان سرپرست ایرانی معادل یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر زیر خط فقر قرار داشته باشند."

نکته مهم دیگر این که مطابق آمارهای رسمی، از حدود ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در ایران، در مجموع حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از آنان زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی قرار دارند. حال اگر فرض کنیم به‌جای یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، عملاً تمام یک میلیون و ۷۰۰ هزار زن سرپرست خانوار زیر خط فقر تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار داشته باشند، بازهم عملاً هیچ تفاوتی در وضعیت معیشتی این زنان به‌وجود نمی‌آید، زیرا مستمری ماهانه کمیته امداد و بهزیستی بسته به بُعد خانوار ماهانه بین ۴۲۰ تا یک میلیون و ۳۲۰ هزار تومان است که در واقع نمی‌تواند دردی از مشکلات معیشتی زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های آنان دوا کند [نک: تجارت فردا، ۲۲ مردادماه ۱۴۰۱].

خارج کردن زنان از محیط کار و فعالیت‌های اجتماعی و راندن آنان به گوشه عزلت و تنهایی اقدامی است برخاسته از دیدگاه ارتجاعی و واپس‌مانده اسلام فقه‌ای درباره زنان، دیدگاهی که در آن هیچ‌گونه ارزش و حقی شایسته شأن انسانی زنان برای زنان میهن‌مان قابل نیست و بر خلاف ادعاهای سران رژیم در مورد "احترام به زن در اسلام"، زنان را تنها "موجوداتی" برای به‌دنیا آوردن فرزند و در خدمت مردان و تأمین امیال و خواسته‌هایشان می‌دانند. به‌نظر "علی خامنه‌ای"، ولی فقیه: "اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم. زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است" [روزنامه کیهان، ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷].

روزنامه کیهان در همین مطلب اضافه می‌کند: "قوانین حاکم بر نهاد خانواده در دیدگاه اسلام، که شامل حقوق و تکالیف زوجین است، قوانینی مبتنی بر حمایت‌های مالی و عاطفی از زن است. بنابراین، درعین حال که حق اشتغال زنان در دیدگاه اسلام به رسمیت شناخته شده است، اصل، بر عدم ضرورت اشتغال زن در جامعه اسلامی است، جامعه‌ای که در آن، قوانین اسلامی مرد را ملزم به تأمین همه‌جانبه و مطلوب نیازهای زن و فرزندان می‌کند. در حقیقت، در این دیدگاه ضرورت‌های زندگی زن و مرد، به دلیل تفاوت‌های جسمانی و روانی آن‌ها، دارای اولویت‌بندی‌های متفاوتی است. ... بخشی دیگری از زنانی که ضرورتاً وارد عرصه اقتصاد می‌شوند در خانواده‌های بدسرپرست یا بی‌سرپرست زندگی می‌کنند" [همانجا].

چنین دیدگاه ارتجاعی و واپس‌گرا سبب شده است تا زنان میهن‌مان در حاکمیت رژیم ولایت فقیه و قوانین ضد زن آن در چند دهه گذشته از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و انسانی‌شان محروم شوند، و همواره از آنان سوءاستفاده شود و در معرض تحقیر و خشونت و اهانت قرار گیرند.

جنبش کنونی و حضور فعال و پرخروش و شجاعانه زنان میهن‌مان برآمده از خشم، نفرت، و انزجار نسبت به رژیم است که هرگونه حقی را از آنان سلب کرده است. زنان کشورمان با حضور در این جنبش علاوه بر خواست لغو حجاب اجباری، مبارزه بی‌امان برای دستیابی به تمامی آن حقوقی است که در طول قرن‌ها از آنان سلب شده است، مبارزه‌ای در مسیر برخورداری از حقوقی که در شان انسانی آنان است. زنان خواستار مشارکت فعال در تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی هستند و این را به‌درستی حقی قانونی و طبیعی برای خود می‌دانند.

زنان میهن‌مان با تجربه فراوانی که در چند دهه گذشته به‌دست آورده‌اند به این آگاهی رسیده‌اند که بدون ادامه این مبارزه شگرف و تاریخی علیه استبداد مذهبی رژیم ولایت فقیه نمی‌توانند به خواسته‌های به‌حق خود دست یابند. این رزمی مشترک برای تمامی هم‌میهن‌مان است. با گسترش مبارزات مردم کشورمان در حرکت‌های مشترک با رژیم دیکتاتوری و هم‌آهنگی اعتراض‌ها در پیوند با اعتصاب‌های همگانی در جهت پایان دادن به این رژیم خودکامه و حرکت به‌سوی ایجاد جامعه‌ای بر اساس آزادی و عدالت اجتماعی می‌توان گام‌هایی بسیار جدی برداشت.

ادامه جشن بنیادگذاری حزب توده ایران ...

شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میهنمان در ماههای گذشته نشان از ناتوانی مجموعه نظام برای گذار از بحران فراگیر در همه ابعاد میداد. از طرفی اخبار و داده ها در ارتباط با حرکت‌های صنفی منظم و مداوم مردم از جمله بازنشستگان، معلمان، کارگران بیمانی و سایر حرکتها و اعتصابات کارگری در ماهها و سالهای گذشته نشان از آمادگی مردم برای آغاز یک جنبش سراسری با کوچکترین تلنگری داشت. چیزی که حتی خود کارگزاران رژیم بارها و بارها مطرح کرده بودند، هر چند که هنوز جبهه ای که بتواند این جنبش را راهبری نماید بوجود نیامده است. در این هنگام این تلنگر را کشته شدن مظلومانه ژینا (مهسا) امینی زد. او سپس با حمله به نیروهای که خود را "چپ" میدانند و این جنبش وسیع را "انقلاب مخملی و نارنجی" که توسط امیرالیسم رهبری میشود میخوانند، تاکید کرد این نیروها با توجه به قراردادهای اخیر جمهوری اسلامی با چین و روسیه و یا وارد شدن آن به پیمان شانگهای و بریکس این نظریه را تبلیغ میکنند که سیاستهای خارجی "اصولی" رژیم در نهایت باعث تصحیح سیاستهای اقتصادی و داخلی رژیم میگردد و کشور را به اتخاذ سیاستهای اقتصادی مردمی رهنمون خواهد کرد. این نیروها یا در بهترین حالت به علت عدم درک درست از ماهیت طبقاتی نیروهای حاکم در ایران، مردم را به ناکجا آباد رهنمون میکنند و خاک در چشم آنها میپاشند یا در بدترین حالت از نهادهای امنیتی رژیم خط میگیرند. در هر دو حال آنها مدتهاست که عملاً به دنباله رژیم تبدیل شده اند. رفیق از آن طرف نیروهایی را که به هر نحو حتی با توسل به دخالت خارجی در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میباشند، از جمله سلطنت طلبان را نیروهای دانست که خواهان اعمال دیکتاتوری منتها نه با شکل اسلامی دانست. وی بعد از طرح این مقدمه به تظاهرات همان روز و نکور اشاره کرد که چگونه سلطنت طلبها با در دست داشتن بلندگوها و نیز توزیع وسیع پرچمهای شیر و خورشید در صدد قبضه کردن تظاهرات به نفع خود بودند. وی بر اساس آن وظیفه هر یک از شرکت کنندگان را در این حرکتها و چگونگی کار مشترک برای خنثی کردن این شیوه های روشنی که سلطنت طلبها، مجاهدین و حزب کمونیست و کارگری به کار میبرند و عملاً از حضور مردم در جهت منافع گروهی خود سوء استفاده میکنند را توضیح داد. پس از آن رفیق مجری دیگر در توضیح اهداف جبهه واحد ضد دیکتاتوری اهمیت کار مشترک بر اساس "منشور آزادی" را بیان کرد. او با بیان تمامی بندهای منشور آزادی اهمیت تشکیل هر چه سریعتر جبهه واحد ضد دیکتاتوری را گوشزد نمود. پس از آن میهمانان جشن با تبریک سالروز تأسیس حزب و تشکر از امکان این گردهمایی برای بحث خصوصاً با جوانان که بخشی از آنها در سالهای اخیر به کانادا آمده بودند و شناخت دقیقی از شرایط میهن داشتند در میزگرد شرکت کردند بحثها در محیطی رفیقانه در هنگام صرف شام و نیز بعد از آن ادامه داشت. شرکت جوانان در بحث و توضیح دیدگاههای خود فضای بسیار زنده و پر نشاط و امیدی را ایجاد کرده بود. در پایان مراسم کیک هشتاد و یک سالگی حزب که مزین به گل سرخ حزب بود کام حاضران را در این مناسبت شیرین کرد.

حاضرین تقریباً به اتفاق خواستار ادامه این بحثها و بررسی راهکارهای مشترک در و نکور برای همبستگی با جنبش وسیع مردمی بودند.

ادامه با اتکا بر واقعیت‌های عینی ...

خیزش‌های اعتراضی اخیر مردم را با انواع فلسفه‌بافی‌های بی‌مایه زیر علامت سؤال می‌برند و در عمل، رژیم جنایتکار حاکم بر ایران را از زیر ضربه خارج می‌کنند. بین مردمی که خواست‌های برجسته مادی و احیای ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی انسانی و دموکراتیک را به پرچم مبارزاتی خود بدل کرده‌اند، از یک سو، و دیکتاتوری حاکم، از سوی دیگر، شکاف عمیقی پدید آمده است. بدین‌سان، زیر پرچم "آزادی زنان" و شعار پرمعنا و زیبای "زن، زندگی، آزادی" جنبش قدرتمندی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند خواست‌های اجتماعی و اقتصادی عدالت‌جویانه دیگری را نیز زیر درفش حق طلبانه خود طرح کند. برای حفظ و تقویت این جنبش، ضمن مبارزه قاطعانه با ترندهای دستگاه امنیتی-رسانه‌ی جمهوری اسلامی، هم‌زمان در خارج از کشور باید دست‌های آلوده جریان‌هایی را که مترصد به یغما بردن جنبش اعتراضی‌اند کنار زد و بر اساس واقعیت‌های عینی و به اتکای جنبش پرتوان زنان و جوانان و زحمتکشان در ایران، مبارزه با حکومت ولایی را تا گذار کامل و نهایی از استبداد و خودکامگی به سوی برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک به پیش برد.

اطلاعیه حزب توده ایران درباره فاجعه آتش سوزی در زندان اوین و خطر جدی ای که جان زندانیان سیاسی - عقیدتی میهن ما را تهدید می کند!

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی آتش سوزی بزرگی زندان اوین را فرا گرفته است. استاندار تهران در مصاحبه ای با صدا و سیما ارتجاع که از پایگاه خبری "خبر آنلاین" پخش گردید مدعی شد "که داخل بندهای ۷ و ۸ شلوغ شده بود و مسئله اصلی ایجاد آتش سوزی توسط برخی زندانیان بود که نیروهای آتش نشانی آن را کنترل و مهار کردند. الان هم زندان و هم خیابان‌های اطرافش تحت کنترل است"

گزارش‌های مختلف خبر از درگیری‌های شدید در زندان اوین و تیراندازی مزدوران رژیم به سوی زندانیان در بند می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که شماری از زندانیان سیاسی و همچنین دستگیر شدگان اعتراض‌های مردمی اخیر در زندان اوین و خصوصاً بند ۷ نگهداری می‌شوند. بر اساس گزارش‌های دیگری که بدست ما رسیده است عصر امروز چند نفر از زندانیان با خانواده‌های خود تماس گرفته و گفته‌اند از دو شب پیش نیروهای امنیتی سعی در ایجاد رعب و وحشت در زندان اوین داشته‌اند و صدای تیراندازی شنیده شده است، به همین جهت بعد از این تماس خانواده‌ها مقابل زندان اوین می‌روند، اما نیروهای امنیتی از داخل زندان بیرون آمده و آنها را متفرق می‌کنند. اتنا دائمی فعال مدنی که کمتر از یک سال پیش از زندان آزاد شده در توییتهای نوشته است: «دیروز از زندان اوین بهم خبر دادند که سه تن از زندانیان به رجایی شهر منتقل شدند و بگان ویژه در بند ۷ مستقر شده و حیدر حیدر میگویند تا زندانیان را تحریک کنند و تعدادی از زندانیان سیاسی و عمومی هم با شعار پاسخ داده اند.»

در پی آتش سوزی و شنیده شدن صدای تیراندازی و حتی صداهایی مثل انفجار در زندان بسیاری به خصوص خانواده‌های زندانیان نگران حوادث داخل زندان هستند.

با گسترش اعتراض‌های مردمی رژیم جنایتکار ولایت فقیه هر روز دست به جنایت تازه ای می‌زند. از حمله به مدارس و ضرب و شتم نوجوانان تا تیراندازی مستقیم به مردم بیگناه و کشتار ده‌ها تن در زاهدان و بمباران مناطق اقلیم کردستان و کشته و مجروح کردن صدها تن از هم وطنان ما جنایتکاری حکومت خامنه ای را حد و مرزی نیست.

فراموش نکنیم که علی خامنه‌ای در پیامی که ۷ تیرماه ۱۴۰۱ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد با اعتراف ضمنی به وضعیت فوق‌العاده بحرانی و خطرناک رژیم و یادآوری سال ۶۰، یعنی سالی که حکومت جمهوری اسلامی در آن شماری بسیار از دگراندیشان مبارزان راه آزادی و عدالت را قتل عام کرد، از جمله گفت: "خدای سال ۶۰ همان خدای امسال است... ما در سال ۶۰ مقابل این همه حادثه و شدت عمل توانستیم روی پای خودمان بایستیم و دشمن را نا امید کنیم و امروز هم می‌توانیم."

مردم ما به تجربه دریافته‌اند که سران حکومت جمهوری اسلامی حاضرند به هر جنایتی برای حفظ حکومت ضد مردمی و ضد ملی شان دست بزنند. حزب توده ایران همراه با همه نیروهای مترقی و آزادی خواه با نگرانی جدی تحولات ساعات اخیر و آتش سوزی در زندان اوین را دنبال می‌کند و معتقد است که جنایتکاران حاکم بر میهن ما می‌توانند با سازمان دهی این فاجعه هولناک جان صدها زندانی سیاسی و عقیدتی میهن ما را با خطرات جدی رو به رو کنند. باید با تمام توان در راه نجات جان زندانیان سیاسی اقدام کرد و اجازه نداد تا رژیم ولایت فقیه فاجعه هولناکی همچون قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ را تکرار کند.

ما از نهادهای مسئول بین المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواستاریم که دولت ایران را موظف به قبول یک هیئت تحقیق مستقل در مورد حادثه امروز در زندان اوین و انتشار یافته‌های خود بکند. دولت ایران مسئول حفظ سلامتی تمامی زندانیان در بند می‌باشد.

حزب توده ایران
۲۴ مهرماه ۱۴۰۱



جمهوری اسلامی ایران، مشکل ارتقای فرهنگی همچنان حاد و میزان بی‌سوادی همچنان بالاست. در این عصر انقلاب علمی و فنی، یکی از علل این معضل تداوم عقب‌نگه‌داشتن کشور از سوی جریان‌های ارتجاعی است که روند رشد کشور را با مانع‌هایی جدی روبرو کرده و همچنان روبرو می‌کند. مرکز آمار ایران در گزارش خود اعلام کرده است که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل به ۹۷۰ هزار و ۸۷۱ دانش‌آموز افزایش یافته است. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به‌علت گران‌تر شدن هزینه‌های زندگی و تحصیل بی‌تردید عده دانش‌آموزانی که از

تحصیل بازمی‌مانند به‌مراتب بیش از سال گذشته خواهد بود. باید توجه داشت که به‌احتمال زیاد شمار عده دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در آمارهای رسمی طبق معمول می‌تواند کم‌تر از رقم آمار واقعی باشد.

یکی دیگر از مشکلات اساسی زندگی مردم گرانی کمرشکن و روزافزون است. عامل‌هایی متعدد بر میزان گرانی‌ها یا پرده استتار بر غارتگری سرمایه‌داری در این عرصه‌ها افزوده است که از آن جمله‌اند: سودجویی و غارتگری سرمایه‌داران حامی رژیم، وابستگی امور اقتصادی و مالی کشور به نوسان‌های اقتصادی و مالی و ارزی کشور، بورس بازی و زمین‌خواری، گرانی مسکن، انواع سفته‌بازی و شعیده‌بازی‌ها با قیمت‌های سر به‌آسمان کشیده، وجود واسطه‌های متعدد در توزیع کالاها، گوناگون، گرانی دارو و درمان و کمی تعداد بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، رخنه سرمایه خصوصی در آموزش و فرهنگ و درمان که رژیم آن را تشویق می‌کند. همچنین، سیاست‌های مالیاتی غیردموکراتیک، مخارج کمرشکن دستگاه‌های امنیت داخلی (سرکوبگری) و تسلیحاتی و لشکرکشی‌های نظامی و پلیسی، هزینه‌های دستگاه اداری و تشریفاتی در سفرهای غیر ضرور دولتیان با اهل‌بیت و فک‌وفامیل و اطرافیان. این عامل‌ها در زمره علت‌های اساسی گرانی کمرشکن هزینه زندگی است که بار سنگین آن‌ها بر دوش زحمتکشان محروم و ستمدیده میهن ماست. برخلاف اقدام‌های عوام‌فریبانه رژیم، تا زمانی که تأثیر این علت‌ها باقی است بلای گرانی گریبانگیر مردم خواهد بود.

نبود مسکن مناسب و بهداشتی برای توده‌های مردم در شهر و روستا، گرانی کمرشکن اجاره‌بها و بهای مسکن، دشواری‌های حمل‌ونقل شهری، مشکلات آب و برق و خدمات دیگر نیز جزو مشکلاتی قدیمی و ریشه‌دارند که اکثریت مردم با آن‌ها درگیرند. دشواری زندگی جوانان، نبود امکان و وسایل کافی تحصیل، کار، تفریح سالم و ورزش، افق روشن برای کار و زندگی، رفتارهای تبعیض‌آمیز حکومت با جوانان در جامعه، رواج انواع وسایل تخدیر و فساد در بخشی از جوانان را نیز به این مشکلات باید افزود. جمهوری اسلامی ایران چهل و چهار سال است که با ترور و اختناق به حکومت خود ادامه داده است و با عناد تمام خواست‌ها و حرکت‌های اعتراضی و مترقی جوانان را به‌شدت سرکوب کرده است. این رژیم می‌کوشد جوانان را عبد و عبید و با روح بندگی و اطاعت بار آورد. رژیم از رشد و بسط فعالیت مردم آزاده، فعال، و اعتراض‌گر و انتقادکننده به فساد و ستم از جمله جوانان دلیر و مبارز میهن‌مان وحشت دارد.

تا زمانی که نهادهای وابسته به حکومت و بنیادها و ستادهای حکومتی به اقتصاد کشور چنگ انداخته‌اند، هرگونه تحول مترقی و ضد ارتجاعی غیرممکن خواهد بود. وضعیت میهن ما به تحولی بنیادی نیازمند است چندان که عرصه‌های گوناگون زندگی را دربر گیرد و در جهت تأمین منافع مردم دگرگون سازد. در مرحله کنونی تحول تاریخی، جامعه ما به انقلابی ملی و دموکراتیک نیاز دارد. شرط تعیین‌کننده در این تحول تاریخی ایجاد جبهه‌ای از کلیه نیروهای سیاسی ملی و مترقی است. انقلاب ملی و دموکراتیک فقط با مبارزه هماهنگ و هدفمند توده‌های مردم تحقق‌پذیر است و از قهرمانی این یا آن فرد، این یا آن گروه یا حزب سیاسی ناشی نمی‌شود.

تأملی بر رویدادهای ایران



زندگی و مشکلات مردم

سیطره جمهوری اسلامی یا در واقع حکومت "اشرار" و غارتگران بر میهن بلازده ما شرایط زندگی مردم به‌ویژه فشردهای زحمتکش جامعه را توان‌فرسا کرده است. کشوری که با داشتن نیروی کار متخصص کافی، منابع طبیعی سرشار، و قدرت مالی فراوان توانایی آن را دارد که نیازهایش را در صورت استقرار نظامی مردمی و دموکراتیک برآورده سازد و معضل‌هایش را بر بنیان راه حل‌های علمی و حفظ منافع مردم حل کند، نه تنها با بسیاری مشکل‌های کهنه و دیرپا همچنان روبروست، بلکه بحران‌هایی تازه به‌تازگی نیز به آن‌ها افزوده می‌گردد.

بسط بیش از پیش مناسبات سرمایه‌داری جامعه ایران را در اساس به دو قطب متضاد تقسیم کرده است. با ادامه سیاست‌های ضد مردمی حکومت جمهوری اسلامی ایران، بی‌عدالتی شدت بیشتری می‌یابد و فاصله طبقاتی روز به‌روز عمیق و عمیق‌تر می‌شود. از سوی اقلیتی ممتاز در پناه حمایت رژیم حاکم به تاراج ثروت‌های ملی مشغولند و از سوی دیگر اکثریت محروم به‌شدت در معرض ستم و تاراج قرار دارند. دره عمیقی این دو قطب را از هم جدا می‌کند. به‌رغم مانورهای رژیم ولایت فقیه و ادعاهای بلندگویان دولت، بی‌عدالتی در توزیع درآمد و ثروت ملی روز به‌روز افزایش می‌یابد. درآمد زحمتکشان میهن ما امروزه بخشی ناچیز از درآمد ملی است.

حسین راغفر، اقتصاددان، در گفت‌وگویی با "ایلنا" در روز ۲۴ مهرماه ۱۴۰۱، ضمن صحبت درباره اعتراض‌های مردمی ریشه آن‌ها را انباشت مطالبات اقتصادی مردم و وضعیت معیشت جامعه دانسته و بر تأثیر تبعیض‌ها و نابرابری‌های موجود در جامعه که عمدتاً از سیاست‌های مخرب و ضد ملی نشأت می‌گیرند، تأکید کرده است. او درباره شکل‌گیری این اعتراض‌ها می‌گوید: "ریشه اعتراضات به مسائل اقتصادی برمی‌گردد و مسائل اقتصادی به‌معنای توجه به مسائل صنفی و معیشت مردم است. اگر حکومتی به این مسئله توجه نداشته باشد، طبیعی است که نابرابری‌ها شدت و افزایش پیدا می‌کند و بخش قابل توجهی از این نابرابری‌ها در همه جای دنیا به دلیل ساختارهای سیاسی و تصمیماتی است که از بخش عمومی نشأت گرفته و سبب به‌وجود آمدن نابرابری‌های بسیار بزرگی می‌شود." او به ناکارآمدی نظام موجود اشاره کرده است که سازوکارهای نابرابری و تبعیض اجتماعی را نهادینه کرده و امتیازهای گسترده‌ای مانند دسترسی به معادن کشور و دیگر منابع طبیعی و ملی را در اختیار گروه‌های خاصی (وابسته به حاکمان) گذاشته است، در صورتی که تمام مردم در ثروت کشور سهیم‌اند و معلوم نیست سهم مردم از این منابع کجاست. او در ادامه اظهار داشت: "این روند، نابرابری‌های بزرگی را رقم زده و این درحالی است که سالانه یک میلیون نفر متقاضی برای ورود به بازار کار داریم که نمی‌توانند وارد بازار کار شوند و این صفاها... هزینه‌های بسیار زیادی را برای کل جامعه رقم زده و می‌زند و زندگی بخش زیادی از مردم را بسیار پرهزینه کرده است."

ارزیابی حزب ما این است که یکی از مشکلات زندگی مردم مسئله بیکاری است. مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش جمعیت کشور، نداشتن برنامه‌ای جدی برای ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری‌های روزافزون، ریشه‌کن کردن بیسوادی، بالا بردن سطح فرهنگ عمومی، تدارک کارهای فنی و متخصص، و سرانجام رشد ناموزون و راه ناسالم تکامل اقتصادی، همه و همه، معضل اشتغال در کشور را به‌شکل‌هایی مختلف وخیم‌تر کرده است. بدین‌سان، بیکاری و نیمه‌بیکاری آسبایی اجتماعی است که کارگران و دیگر قشرهای زحمتکش شهر و روستا را تهدید می‌کند.

گرانی مخارج تحصیل که ناشی از اعمال سیاست طبقاتی مالی سازی در زمینه فرهنگ و آموزش کشور است، یکی دیگر از مشکل‌های اساسی زندگی مردم است. برخلاف هیاهوی تبلیغاتی

و بزرگداشت هشتادویکمین سالگرد بنیادگذاری حزب در اتریش

برگزاری شب همبستگی با مبارزه مردم ایران

جشن بنیادگذاری حزب توده ایران در ونکوور - کانادا

جشن هشتاد و یکمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در روز شنبه ۹ مهرماه / ۱ اکتبر، به‌همت رفقا و دوستان و هواداران حزب و با شرکت عده ای از هم‌میهنان ایرانی و خصوصا تعداد چشمگیری از رفقای جوان دهه هفتادی و هشتادی، در شهر ونکوور (کانادا در دفتر حزب کمونیست کانادا واحد ونکوور) با شور و شادی برگزار شد. رفقای توده ای بار دیگر با پیمان بر ادامه دادن به راه حزب توده ایران، حزب توده‌های زحمتکش و میهن‌دوست‌مان تاکید کردند. اکثر حاضرین پس از شرکت در راهپیمایی همبستگی با جنبش وسیع مردم میهن‌مان در دان تاون ونکوور به جشن آمده بودند و با خود پرچم‌های دست‌ساز و شعارهای نیروهای مترقی را که تهیه کرده و به تظاهرات برده بودند را همراه داشتند. فضایی پر از امید که همراه با نگرانی‌هایی برای شرایط مبارزان در صحنه مبارزه بود در چهره تک‌تک حاضرین خصوصا جوانان به چشم می‌خورد. رفقای توده‌ای در ونکوور از هفته‌ها پیش از برگزاری جشن، سازمان‌دهی این همایش را آغاز کرده بودند. رفقا سالن جشن را با پوسترهایی از رهبران برجسته و رفقای قهرمان حزبی همچون حیدرخان عموواغلی، دکتر ارانی، روزبه، انوشه، و دیگر رفقای شهید حزبی و نیز تعدادی از پوسترهایی حزب در ارتباط با فاجعه ملی تزئین و تلاش کرده بودند تا فضایی گرم و رفیقانه برای پذیرایی از حضاران آماده کنند. در ابتدای مراسم یکی از رفقای مجری، با خوش آمد گوئی به میهمانان تغییراتی که در برنامه به علت شرایط ویژه پیش آمده در میهنمان، بوجود آمده را به اطلاع رساند. برنامه در واقع عمدتاً پیرامون جنبش و در واقع راهکارهایی که فعالین اجتماعی شهر در این شرایط ویژه با آن روبرو میباشند را به بحث و گفتگو میگذاشت. تاکید بر همگانی شدن بحث بود. پس از این مقدمه ویدئو کلیپ "سرود چهارم حزب" نمایش داده شد که شور و شوقی وصف‌ناپذیر به وجود آورد و همونای حاضران با سرود را به‌دنبال داشت.

پس از آن مجری از مهمانان خواست تا به یاد تمامی جان‌باختگان حزب و همچنین تمامی جان‌باختگان راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در ایران خصوصا شهدای جنبش اخیر، به‌پا خاسته و یک دقیقه سکوت کنند. سپس رفیق دیگری فرازهایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب به‌مناسبت هشتاد و یکمین سالگرد بنیادگذاری حزب را برای حاضران خواند. پس از آن رفیق دیگری سند کنگره هفتم حزب در مورد تغییر شعار حزب از طرد ولایت فقیه به "با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک" را توضیح داد. او با تاکید بر خیزش عمومی و شعارهای مورد استفاده در جنبش که دقیقا بر گذار از جمهوری ولایتی استوار است، درستی تصمیم کنگره حزب مبنی بر تغییر شعار را در لحظه کنونی به حاضرین یادآور شد. پس از آن رفیق دیگری در مورد سند جمهوری ملی و دموکراتیک و بخش مربوط به اتحادها را توضیح داد. وی با طرح خواسته‌های حداقلی پیشنهادی حزب ما برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری اهمیت حاکمیت ملی، آزادی و عدالت اجتماعی را توضیح داد.

پس از این سخنان، بحث میزگردی اصلی این برنامه که اختصاص داشت به بررسی نحوه کار جمعی فعالین اجتماعی شهر در همبستگی با جنبش، آغاز گشت. در ابتدا یکی از رفقای مجری با توضیح آنکه چون امکان بحث و تبادل نظر برای همگان فراهم شود باید وقت سخنرانان محدود شود، قواعد زمانی میزگرد را برای شرکت کنندگان توضیح داد که مورد تصویب همه قرار گرفت. سپس سخنان آغازین را به توضیح کوتاهی در مورد نحوه آغاز جنبش اختصاص داد. وی از جمله گفت: "واقعیت‌های

جنبش گسترده اعتراضی در ایران به همراه نبرد نابرابر زنان و مردان، به ویژه جوانان و نوجوانان در برابر مزدوران مسلح و بی‌رحم رژیم استبدادی هفته هاست که در جریان است و به شکل‌های گوناگون به پیش می‌رود. از همین روی رفقای توده ای در اتریش به انگیزه همبستگی با یکبار دلیرانه مردم ایران، همایشی را به نام «شب همبستگی با مبارزه مردم ایران» در وین برگزار کردند و در کنار آن هشتاد و یکمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را نیز بزرگ داشتند. توده‌ای‌ها در درازنای ۸۱ سال یکبار دشوار و خونین خود با استعمار و همچنین استبداد و بیداد رژیم‌های پادشاهی و ولایتی، همواره تلاش کرده‌اند در هر کجای این جهان که بوده‌اند، ۱۰ مهر، سالروز بنیادگذاری حزبشان را گرامی دارند و به دفاع از تاریخ حزبشان، حقانیت راه رفته و گرامی داشت یاد رفقای جانبخته و فداکارشان بپردازند. چرا که آن چه در همگی این سال‌ها و بی‌مردن‌راهی پر فراز و نشیب، بسیار پیچیده، مه‌آلود و خاراگین، علیرغم برخی کاستی‌ها برجسته و پر رنگ می‌نماید، همانا یکبار صادقانه، فداکارانه و تاثیرگذار توده‌ای‌ها علیه خودکامگی، واپس‌گرایی و بیداد بوده است. بیهوده نیست که حزب ما همواره آماج کینه و دشمنی نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم قرار گرفته است. این همایش به همت رفقا و دوستان حزب و با شرکت گروهی از هم‌میهنان ایرانی و مهمانان خارجی، در سالن ساختمان مرکزی حزب کمونیست اتریش در شهر وین در روز شنبه ۸ اکتبر برگزار شد.

رفقا سالن جشن را با نگاره‌هایی از رهبران برجسته و رفقای قهرمان حزبی چون حیدرخان عموواغلی، دکتر ارانی، روزبه و فاطمه مدرسی (سیمین فردین) آراسته و در دو سوی سالن شعارهای فارسی و آلمانی چون «فرخنده باد هشتادویکمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران»، «با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک» و «آزادی برای زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران» آویخته بودند. گذشته از آن چندین عکس از صحنه‌های غرورآفرین جنبش اعتراضی مردم به همراه شعار «زن، زندگی، آزادی» (بر دیوارهای سالن نصب شده بودند.

با نواخته شدن «سرود چهارم حزبی» (آران به‌پا خاستند و همراه با طنین «برشکن هر سد اگر خواهی آزادی...» هم نوا شدند. پس از آن رفیق مجری برنامه به میهمانان خوش آمد گفت و پس از اعلام برنامه از آنان خواست به یاد تمامی جانبختگان حزب و تمامی جانبختگان راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در ایران، برای یک دقیقه سکوت، بپاییند. رفیق سپس به آلمانی و فارسی از قتل مهسا امینی به دست کژمکان رژیم و آغاز و گسترش جنبش اعتراضی مردم ایران و مبارزه دلیرانه آنان در بیش از ۸۰ شهر کشور سخن گفت و یادآور شد آن که ایران امروز با ایران پیش از آغاز جنبش، به گونه‌ای ژرف متفاوت است و مردم ایران تا همین مرحله نیز گامی بزرگ در راه پیروزی بر استبداد برداشته‌اند.

سپس یکی از رفقا به ایراد سخنرانی پرداخت و فرازهایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت هشتادویکمین سالگرد بنیادگذاری حزبمان را برای حاضران خواند. همزمان برگردان آلمانی اعلامیه حزب، توده اینفو شماره ۱۳۷، نیز به مهمانان این همایش که پارسی زبان نبودند، داده شد تا از درون مایه سخنرانی آگاه شوند. پس از سخنرانی یکی از رفقا شعر زیبای «چه فکر می‌کنی» از زنده یاد رفیق سایه را دکلمه کرد. سپس رفیقی دیگر به ایراد سخنرانی به زبان آلمانی پیرامون جنبش اعتراضی در ایران پرداخت و از تحلیل حزب ما از وضعیت کنونی کشور و جنبش اعتراضی برای شرکت کنندگان در همایش سخن گفت.

در ادامه برنامه رفیق تویباس شویگر از سوی رهبری حزب کمونیست اتریش سخنرانی کرد و از همبستگی حزب کمونیست اتریش با حزب ما و جنبش اعتراضی در ایران سخن گفت. پس از آن پیام حزب کمونیست عراق در اتریش خوانده شد. در این پیام رفقای عراقی همبستگی خود را با مبارزه حزب ما و مردم ایران در راه برقراری دموکراسی، آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه بار دیگر اعلام کردند.

سپس رفیق نماینده حزب آبادی افغانستان در اتریش، پیام شورای کشوری این حزب در اتریش را خواند و در سخنرانی خود از حزب ما به مثابه حزب شهدا نام برد. او گفت رفیق ببرک کارمل همیشه با احترام از حزب توده ایران سخن می‌گفت و حزب توده ایران را «حزب مادر» می‌نامید.

سپس رفیق لوکاس فلاتنسر نماینده سازمان دانشجویان و جوانان کمونیست اتریش سخنرانی کرد و از همبستگی خود با حزب ما و جنبش اعتراضی در ایران سخن گفت. او سخنرانی خود را با شعار «زن، زندگی، آزادی» به پایان برد. در ادامه برنامه بخش‌هایی از پیام‌های پرشور همبستگی حزب ما و سازمان‌های کمونیست و پیشرو با حزبمان و جنبش اعتراضی کشور از سوی دو رفیق به فارسی و آلمانی خوانده شدند.

پس از صرف شام، بخش دوم برنامه با اجرای موسیقی و نواختن تار و خواندن آواز از سوی یکی از رفقا و سپس دکلمه شعر توسط رفیقی دیگر ادامه پیدا کرد. سپس شرکت کنندگان در همایش به تماشای فیلمی کوتاه و تاثیرگذار از آغاز جنبش اعتراضی و رخدادهای هفته‌های گذشته در ایران نشستند که یکی از رفقا آن را تهیه کرده بود. پایان بخش همایش، بخش سرود انترناسیونال بود که با بپا خاستن و همراهی شرکت کنندگان و خواندن آن به زبان‌های فارسی و آلمانی همراه بود. بدین‌گونه همایشی که رفقای توده‌ای در اتریش کارهای آمادگی برای برگزاری آن را از چند هفته پیش آغاز کرده بودند، با موفقیت به پایان رسید.

ادامه با اتکا بر واقعیت‌های عینی ...

آنچه با اعتراض به کشته شدن مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد آغاز شد، طی چند هفته اخیر به جنبش اجتماعی عظیمی در راه دستیابی به آزادی‌های فردی و اجتماعی فراروید. پیکان این جنبش مردمی، آگاهانه و مستقیماً، ارکان اصلی حکومت ولایی و ارزش‌های دینی ارتجاعی آن را هدف قرار داده و ضربه‌های سهمگینی بر دیکتاتوری ولایی زده است. اکنون روشن است که حکومت ولایی با سرکوب و ایجاد جو ترس و وحشت و تبلیغات رسانه‌ای - امنیتی برای انحراف افکار عمومی دیگر قادر نیست اوضاع را به سود خود به عقب بازگرداند. حتی اگر این جنبش را هم بی‌رحمانه سرکوب کنند، هر آن، جرقه دیگری می‌تواند این آتش زیر خاکستر را بار دیگر شعله‌ور سازد، همان‌طور که در خیزش‌های مردمی در یکی دو دهه گذشته دیده‌ایم. این جنبش ضد دیکتاتوری را سر باز ایستادن نیست!

گسترش چشمگیر تظاهرات اعتراضی در خارج از کشور در چند هفته گذشته نیز جنبه دیگری از تحولات اخیر است. نمونه چنین همبستگی و اتحادی به این شکل و گستردگی تا کنون دیده نشده بود. این حرکت‌های اعتراضی در داخل و خارج کشور نشان می‌دهد که بخش عمده جامعه دیگر به هیچ‌وجه حاضر نیست در زیر سایه دیکتاتوری دینی زندگی کند و برای گرفتن حق خود و بازپس گرفتن کرامت خود به‌پا خاسته است. در مقابل، دیکتاتوری ولایی هنوز مصمم است عقب‌نشینی و با اتکا به نیروی سرکوب و خون‌ریزی به حکومت خود ادامه دهد. با همه خوش‌بینی انقلابی که داریم، هنوز نمی‌توان گفت که جنبش دادخواهی مردم چه زمانی بر این قوای سرکوب غلبه خواهد کرد. بنابراین، برخلاف استدلال‌های غلط‌انداز و تبلیغات پُرسروصدای بخشی از نیروهای اپوزیسیون، هنوز نمی‌توان با قاطعیت از فروپاشی قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی، آن هم با کمک گرفتن از قدرت‌های خارجی، صحبت کرد. باید خوش‌بین و واقع‌بین بود. انتشار گزارش‌های اغراق‌آمیز در خارج از کشور درباره سقوط قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی به مبارزه تدریجی و استوار و بسیار دشوار در درون کشور کمک نمی‌کند.

دامن زدن به این فکر که حرکت اعتراضی در خارج از کشور می‌تواند و باید از دولت‌های غربی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران یاری بطلبد، دانسته یا ندانسته برخلاف جهت مبارزه ضد دیکتاتوری داخل کشور است. این گونه نظرها در میان بخش‌هایی از اپوزیسیون گاه بر پایه تحلیل‌های سطحی یا بر اثر بی‌توجهی به واقعیت‌های عینی بیان می‌شود. و گاه عاقدانه برای گره زدن میدان مبارزه جنبش ضد دیکتاتوری در ایران به حیطه روابط و بحران‌های بین‌المللی - از جمله جنگ روسیه و اوکراین - و با این هدف مطرح می‌شود که "تغییر رژیم" به اتکالی قدرت دولت‌های غربی، ایران را در مسیر "آزادی و دموکراسی" هدایت می‌کند. سرنوشت غم‌بار افغانستان و عراق و لیبی و... خلاف این نظر را نشان می‌دهد.

تمرکز و اتکا بر مذاکرات پشت درهای بسته و بده‌بستان بین حکومت ولایی و دولت‌های امپریالیستی به‌جای اتکا به نیروی پرتوان جوانان و زنان و زحمتکشان ایران، جنبش اعتراضی مردم ایران را به انحراف خواهد کشاند. نباید گذاشت که از این جنبش اصیل حق‌طلبی استفاده ابزاری بشود.

حزب توده ایران از حرکت‌های اعتراضی توده‌ی و فراگیر ایرانیان خارج از کشور با شعارهای مشخص ضد دیکتاتوری - به پیروی از شعارهای گویای معترضان داخل کشور در طرفداری از دموکراسی و عدالت - صمیمانه حمایت می‌کند. اما، بار دیگر بر این نکته اساسی تأکید می‌کند که تضاد اصلی در روند تحول اجتماعی ایران، یعنی مشکل و سد اساسی در راه تعالی و بهروزی مردم ایران، وجود حکومت ولایت فقیه در مقابل خواست‌های مردمی برای تحقق دگرگونی‌های بنیادین دموکراتیک به‌سود اکثریت مردم ایران است. سران رژیم مذهبی ایران برای دفع "خطر مهلک" دادخواهی و حق‌طلبی در داخل کشور و برای بقای حکومت ارتجاعی و سرکوبگر خود حاضرند با هر قدرت خارجی، و به‌ویژه آمریکا و متحدان اروپایی‌اش، کنار بیایند. برجسته کردن مسائل خارجی در مقابل مسائل جدی داخلی و تبلیغ بر سر "سیاست‌های خارجی جدید" جمهوری اسلامی ایران - برای نمونه، گردش به شرق" یا وارد شدن در جنگ روسیه و اوکراین - یکی از ابزارهای سران جمهوری اسلامی، و در رأس آنها خامنه‌ای، برای منحرف کردن افکار عمومی از بحران‌های داخلی ساخته خود جمهوری اسلامی است که کمر مردم را شکسته است.

بنابراین، ضروری است که نیروهای مترقی و ملی توجه خود را روی کنش و واکنش‌های داخل کشور متمرکز کنند تا دیکتاتوری ولایی از زیر ضربه خارج نشود. اغراق عمدی بخشی از اپوزیسیون راست‌گرا در تلویزیون‌های برون‌مرزی و فضای مجازی در مورد توان اعتراض‌ها و تجمع‌های خارج از کشور را نباید با واقعیت‌های عینی و شرایط و امکانات مبارزه در درون کشور اشتباه گرفت.

بخش معینی از اپوزیسیون و همچنین سران حکومت ولایی و هواداران ریز و درشتش در داخل و خارج به شکل‌های گوناگون در پی گره زدن تضادها و بحران‌های اقتصادی - اجتماعی (و اکنون سیاسی) درون کشور به تحولات و معادلات خارجی و قدرت‌های جهانی‌اند: اولی برای مصادره کردن اعتراض‌ها و خیزش‌های مردمی و الترناتیوسازی و رهبرتراشی در خارج از کشور با اتکا به دولت‌های خارجی؛ و دومی برای انحراف افکار عمومی با هدف "حفظ نظام".

دشمن اصلی مردم در داخل کشور و در رهبری حکومت دیکتاتوری دینی است. خیزش‌های اعتراضی چند سال گذشته و به‌ویژه هفته‌های اخیر و ورود مستقیم و فداکارانه مردم به صحنه تحولات در داخل کشور، جنبه‌های مهمی از تحول سیاسی و اجتماعی در کشور را روشن کرده است. از یک سو، خط بطلان کامل بر شماری از نظریات و مواضع سیاسی درباره وضعیت حکومت ولایی و الترناتیوهای تخیلی، مانند بازگشت حکومت سلطنتی، کشیده شده است: "مرگ به ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!" از سوی دیگر، در سطح خیابان‌ها کاملاً مشخص شده است که تضاد آشتی‌ناپذیر در جامعه ایران بین ادامه دیکتاتوری حاکم و تحقق خواست‌های فوری مردم برای دگرگونی‌های بنیادین و دموکراتیک اجتماعی و اقتصادی است. این تضاد فقط یک راه‌حل دارد و آن هم حذف کامل حاکمیت مطلق ولایت فقیه به دست پرتوان زنان و مردان و جوانان و زحمتکشان ایران است. امروزه "اصلاح‌پذیری حکومت" نیز بیش از پیش به مضحکه سیاسی تبدیل شده است، گرچه هر روز طرفداران چنین نظری کمتر و کمتر می‌شود.

تلویزیون‌های برون‌مرزی هدفمندانه در صدد تبلیغ این تصویر غیرواقعی‌اند که براندازی جمهوری اسلامی همین روزها محقق می‌شود و تدارک "دولت موقت" در خارج از کشور در جریان است. به باور ما، در نبود یک جایگزین مردمی و معتبر برآمده از مبارزه در داخل کشور، حکومت ولایی ایران به‌رغم ضربه‌هایی که خورده است، با اتکا بر سرکوب و بهره‌برداری از بده‌بستان با قدرت‌های جهانی در پشت درهای بسته و به حراج گذاشتن ثروت ملی، باز هم تا مدتی قادر به ادامه حیات خواهد بود.

حکومت سرکوبگر ایران هرگونه امکان برون‌رفت کشور از شرایط بسیار بحرانی حاضر را کاملاً مسدود کرده است و برای مردم راهی برای برون رفت از بحران کنونی و شنیدن خواست‌های چندین ساله جز اعتراض در خیابان نمانده است در تأیید این واقعیت می‌توان به نامه‌های مکرر اصلاح‌طلبان که هنوز امید به گشایش و رافت رهبر داشته و دارند به رئیسی و وزیر کشور او در مورد درخواست برگزاری تجمع‌های "آزاد و آرام" اشاره کرد که به گفته خودشان بدون پاسخ ماند. برای مثال، به گزارش روزنامه آفتاب یزد: "ما جمعی از احزاب اصلاح‌طلب با ارسال نامه شماره ۱۳۲۳۸۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ به وزیر محترم کشور اطلاع دادیم که قصد برگزاری یک تجمع آرام را داریم که متأسفانه با وجود گذشت بیش از دو هفته پاسخی به آن داده نشده است. دستور فرمایید هماهنگی لازم برای برگزاری این تجمع در زمان و مکان مناسب به عمل آید. همچنین، می‌توان به مقاله‌ای در روزنامه مردم‌سالاری در روز شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ زیر عنوان "فراندم برای بازنگری در قانون اساسی اصلی‌ترین راه برون‌رفت از بن‌بست‌های سیاسی" اشاره کرد که از جانب کمیته اطلاع‌رسانی حزب مردم‌سالاری در سران "نظام" در مورد اعتراض‌های مردم هشدار جدی می‌دهد. اتفاقاً این نوشته با صراحت به بحران‌ها و مشکلات اساسی کشور اشاره می‌کند، ولی در انتها، تمام راه‌حل‌ها را به برگزاری "فراندم" تخیلی در زیر سایه دیکتاتوری اسلامی محول می‌کند و به ریشه اصلی مشکلات که دیکتاتوری بر محور حکومت ولی فقیه است هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

همان‌طور که حزب ما همواره اشاره کرده است، حکومت ولایی ایران برای بقای خود در حال حاضر جز دست زدن به تغییرهای شکلی و صورتی در ترفیق با سرکوب و تفرقه‌اندازی در صف مخالفان راهی ندارد. تن دادن به تغییرهای بنیادی دموکراتیک که خواست مردم دادخواه و عدالت‌جوی ایران است، در عمل به معنای پایان این حکومت دینی ویرانگر است.

اکنون مشخص است که از این به بعد حکومت ولایی نمی‌تواند به همکاری آن دسته از نظریه‌پردازان و جریان‌های سیاسی اتکا کند که تا کنون زیر لوای اصلاحات و نامه‌نویسی به "رهبری" و "خاک پاشیدن در چشم زنان و جوانان و زحمتکشان رنج‌دیده، آنان را به شرکت در انتخابات نمایشی و "وحدت ملی" دعوت می‌کردند. در بیش از یک دهه گذشته، پس از سرکوب شدید جنبش سبز، این نظریه‌پردازان و جریان‌های سیاسی یکی از اهرم‌های مهم برای "حفظ نظام" بوده‌اند. هرچند هنوز هم شاهد ارائه نظریاتی در مورد خطر "تجزیه ایران" یا "خطر نفوذی‌ها" هستیم که با تکرار گفتمان فریبکارانه خامنه‌ای درباره "دشمن"،

ادامه بیانیه نشست کمیته مرکزی ...

جمهوری اسلامی در ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۱ درحالی که مردم ما در همان هفته‌ها سالگرد فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ ازجمله با مشارکت جلادانی همچون ابراهیم رئیسی را برگزار می‌کردند بار دیگر نشان‌دهنده این واقعیت بود که با ادامه حکومت ضد مردمی کنونی به پایان یافتن سرکوب و لگدمال شدن خشن و خونین حقوق و آزادی‌های مردم نمی‌توان هیچ امیدی داشت.

از آن تاریخ تا امروز ما تداوم بی‌وقفه و رشد موج اعتراض‌های مردمی در ده‌ها شهر کشور علیه حکومت دیکتاتوری حاکم بر میهن‌مان را شاهد بوده‌ایم. موج تازه اعتراض‌ها پس از قتل مهسا تا کنون به‌قیمت جان بیش از ۲۰۰ تن از هم‌میهنان‌مان از جمله ۲۷ کودک، زخمی شدن صدها نفر، و دستگیری هزاران تن از زنان و مردان، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان کشور تمام شده است. خشونت اعمال شده از سوی گزندگان رژیم خصوصاً بر ضد زنان و دختران میهن که دیگر حاضر نیستند زیر یوغ قوانین قرون‌وسطایی رژیم فقیهان زندگی کنند موج عظیمی از همبستگی هم‌میهنان‌مان و پیوستن به معترضان و بسیاری از حزب‌ها و نیروهای مترقی در سطح جهان را برانگیخته است.

زمینه‌های خیزش مردمی کنونی و ترکیب اجتماعی آن

اسناد هفتمین کنگره حزب توده ایران به‌روشنی بر ماهیت طبقاتی رژیم حاکم بر میهن ما و سیاست‌های خانمان‌برانداز و تولیبرالی آن در سال‌های اخیر انگشت گذاشته است. در میهن ما نظامی سرمایه‌داری با روبنایی عقب‌مانده در شکل اسلام سیاسی حکومت می‌کند. تجربه دهه‌ها حکومت جمهوری اسلامی ملاک عملی‌ای روشن برای دآوری دربارۀ ضد مردمی بودن ماهیت این حکومت است. سال‌ها سرکوب و خون‌ریزی و خفه‌کردن هر صدای اعتراض مردم و فریادهای "سرکوب و منکوب کنید" رهبر حکومت بر ضد مردمی خسته و جان‌به‌لب رسیده از فقر و محرومیت و ظلم و تعدی دستگاه‌های حکومتی که به خیابان آمده‌اند سندی محکم و انکارناپذیر در تأیید این واقعیت است که منشأ سرکوب و خون‌ریزی و تخریب در میهن ما رژیم حاکم و دستگاه‌های سرکوبگر آن همچون سپاه، وزارت اطلاعات، بسیج، و دیگر نهادهای رنگارنگ امنیتی است. هنگام بررسی اعتراض‌های گسترده مردمی در هفته‌های اخیر لازم است توجه کنیم که در دو سال گذشته موج گسترده‌ای از اعتراض‌های توده‌ای در میان قشرهای گوناگون اجتماعی برخاست و جریان یافت. اعتراض‌های گسترده کارگران، کشاورزان، معلمان و فرهنگیان، و بازنشستگان کشور طی دو سال گذشته دامنه‌هایی بسیار گسترده‌ای داشته‌اند و روزی نبوده که در استان‌ها و شهرهای مختلف کشور قشرهایی مختلف از مردم و زحمتکشانشان بیدی و فکری در اعتراض به ادامه ظلم و فساد و محرومیت‌هایشان از سوی این حکومت ضد مردمی به خیابان نیامده باشند. از اعتصاب کارگران هفت‌تپه و هیکو و کارگران معادن و کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی گرفته تا اعتراض‌های گسترده کشاورزان به بی‌آبی و ادامه هم‌زمان آن‌ها با اعتراض‌های زنان و دانشجویان کشور از روند مداوم و درعین‌حال گسترش‌یافته اعتراض قشرهای گوناگون اجتماعی بر ضد رژیم ولایت فقیه نشان داشته و دارند. بنابراین، حوادث بیش از چهار هفته اخیر را بدون توجه به این موج اعتراض‌ها که زمینه رشد جنبش‌های اعتراضی دو سال اخیر را موجب گردید نمی‌توان بررسی کرد. همان‌طور که حزب ما در اسناد کنگره هفتم اشاره کرده است، در یک سو ده‌ها میلیون ایرانی برای تأمین معاش و نیازهای اولیه زندگی روزمره با دشواری‌هایی بسیار روبه‌رو هستند و با دورنمایی از آینده‌ای تاریک در فقر یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در سوی دیگر جمعیتی اندک با میلیاردها ثروتی که از جیب مردم دزدیده‌اند و می‌دزدند، به‌غارت و از بین بردن هرچه بیشتر منابع ملی و ثروت کشور مشغول‌اند. فاجعه‌تکان‌دهنده در میهن ما لشکر میلیونی بیکاران، محرومان، و مردم صبور و شریفی است که به‌خاطر بی‌عدالتی نهادینه شده در رژیم حاکم حتی در تأمین زندگی‌ای حداقلی ناتوان‌اند و دیگر به‌جز زنجیرهای فقر و ظلم بر دست و پای‌شان چیزی برای از دست دادن ندارند.

نکته دیگری که توجه به آن اهمیت دارد حضور پرشور زنان در این دوره از مبارزات بر ضد رژیم ولایت فقیه است. در این زمینه نیز می‌توان گفت که زنان میهن ما همواره در معرض ستم‌های سنگین تبعیض جنسیتی در عرصه‌های

گوناگون اقتصادی - اجتماعی، تحمیل حجاب اجباری، وضع و اعمال قانون‌های ضدانسانی قصاص و دیه، قانون جوانی جمعیت بوده‌اند و تلاش سازمان‌یافته در جهت پایمال و سرکوب کردن خشن حقوق و آزادی‌های زنان میهن ما از ویژگی‌های سیاست‌های رژیم ولایت فقیه در تمام طول حکومتش بوده است. قانون جوانی جمعیت و فرزندآوری اجباری به دستور ولی فقیه و نقض حق طبیعی کنترل زنان بر بدن خویش، محروم کردن زنان از عرصه‌هایی از آموزش و اشتغال و دست یافتن به استقلال اقتصادی، تحمیل عقاید قرون‌وسطایی مغایر با تمدن بشر امروزی مثل لزوم اجازه مرد برای مسافرت زن یا دادن حق طلاق به مرد و ترویج فرهنگ مردسالاری "حفظ ناموس"، از جمله بی‌حقوقی‌هایی فاجعه‌بار بوده‌اند که روزها و شب‌های زندگی زنان میهن ما در جمهوری اسلامی را با کابوس آن‌ها درآمیخته‌اند.

یکی دیگر از نیروهای اجتماعی که نقش عظیمی در خیزش مردمی اخیر داشته‌اند جوانان، دانشجویان، و دانش‌آموزان کشور هستند که در سال‌های اخیر با دشواری‌های بسیار رو به‌رو بوده‌اند. تحمیل نظریات غیر علمی و قرون‌وسطایی به آموزش و پرورش کشور، اعزام دسته‌های چاقوکشان و مزدوران بسیج به دانشگاه‌ها و تلاش برای تبدیل مراکز آموزش عالی کشور به پادگان، و پاکسازی انبوه دانشجویان و استادان دگراندیش به کیفیت و ساختار آموزش عالی کشور ضربه‌هایی هلاکت‌بار وارد آورده‌اند. چالش دیگر اساسی پیش روی جوانان کشور پدیده بیکاری در میان آنان است که در برخی از استان‌ها به بیش از ۶۰ درصد رسیده است. بخش عمده‌ای از جوانان کشور آینده‌ای نامعلوم و تاریک در چشم‌انداز زندگی خود می‌بینند.

حزب ما در اعلامیه‌های اخیر خود اشاره کرد که نقش طبقه کارگر میهن ما در اعتراض‌های اخیر کم رنگ بوده است و این یکی از نقاط ضعف جنبش کنونی است که باید با تمام توان کوشید بر آن غلبه کرد. اجرای برنامه "تعدیل ساختاری" مطابق فرمان‌های نهادهای سرمایه‌داری جهانی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی طی بیش از سه دهه اخیر پیامدهایی زیانبار در تضعیف کمی و کیفی جنبش کارگری داشته است که این امر از علت‌های اصلی حضور کم‌رنگ طبقه کارگر و زحمتکشان در جنبش اعتراضی کنونی است.

سرکوب خشن و بی‌اعتنایی کامل رژیم ولایت فقیه به حقوق و خواست‌های کارگران برای تأمین زندگی‌ای در شان انسانی کارگر دربردارنده این تجربه گرانبها برای جنبش کارگری است که به سران فاسد و ضد مردمی رژیم و ساختارهای وابسته به آن نباید هیچ چشم‌امیدی داشت. طبقه کارگر ایران تنها با شرکت فعال در این اعتراض‌های مردمی است که همراه زنان، جوانان، دانشجویان، و دانش‌آموزان کشور می‌تواند رژیم ضد مردمی را به‌چالشی جدی بطلبد و در جریان همین مبارزه به برخی از خواست‌های صنفی خویش نیز دست یابد.

موج سواران، ارتجاع منطقه، و نقش‌های امپریالیسم برای منحرف کردن جنبش مردمی

برای حزب ما روشن است که امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی منطقه ازجمله عربستان سعودی و رژیم نژادپرست اسرائیل از وضعیت کنونی می‌خواهند در جهت منافع راهبردی‌شان بهره‌برداری کنند و تلاش می‌ورزند نیروهای ارتجاعی و وابسته‌ای همچون سلطنت‌طلبان و مجاهدین را برای تصاحب کرسی قدرت در شرایطی مناسب قرار دهند. در این زمینه برنامه‌هایی گوناگون، خصوصاً در خارج از کشور، در جریان است که باید به‌دقت و با هوشیاری با آن‌ها مقابله کرد.

دولت آمریکا و متحدانش در جریان انقلاب بهمن ۵۷ نیز هنگامی که از حفظ رژیم دست‌نشانده و مزدور شاه قطع امید کردند تمام تلاش‌شان را به شکل دادن حاکمیتی جدید و توطئه علیه نیروهای مترقی متوجه کردند. پیام‌های ردوبدل شده میان جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و خمینی در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ که در نوامبر ۲۰۱۵ / آذرماه ۱۳۹۴ از شمول اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه آمریکا خارج شد نشان‌دهنده این حقیقت است که برای آمریکا و امپریالیسم جهانی مهم‌ترین مسئله مطمئن شدن از جلوگیری از نفوذ حزب توده ایران و دیگر جریان‌های مترقی و آزادی‌خواه در ایران بود. بر اساس همین اسناد رسمی دولت آمریکا، پیش از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، نمایندگان دولت جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بارها از طریق نزدیکان خمینی - ازجمله ابراهیم یزدی - در پاریس با خمینی تماس داشته‌اند. سایروس ونس، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در دی‌ماه ۱۳۵۷ در



به نظر ما در زمرهٔ موردهای زیر باشند تبادل نظر کنند و به اتحاد عمل برسند:

- ◆ سازمان دهی اعتصاب عمومی کارگران، کارمندان، و فرهنگیان،
- ◆ آزادی برای همهٔ زندانیان سیاسی، صنفی و عقیدتی،
- ◆ مخالفت با هر گونه دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی ایران،
- ◆ پایان دادن به دیکتاتوری و حاکم کردن مردم بر سرنوشت‌شان و تأمین استقلال و حق حاکمیت ملی،
- ◆ پایان دادن به تمام قوانین زن‌ستیزانه، از جمله حجاب اجباری،
- ◆ جدایی دین از حکومت،
- ◆ پایان دادن به سیاست‌های مخرب اقتصادی نولیبرالی سال‌های اخیر،
- ◆ برپایی یک جمهوری ملی و دموکراتیک.

کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز!

حزب تودهٔ ایران در جریان هفتمین کنگره‌اش تأکید کرد که رژیم ولایت فقیه طی بیش از چهار دههٔ گذشته همواره خواست‌ها و منافع طبقهٔ کارگر و زحمتکشان شهر و روستا را به شکل گسترده‌ای زیر پا گذاشته است. سمت‌گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه با محوریت آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، بر زندگی و امنیت شغلی شما کارگران و زحمتکشان اثرهایی ویرانگر داشته و دارند. رواج قراردادهای موقت، تفرقه‌افکنی بین کارگران با عقد قراردادهای متفاوت و ظالمانه که اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی را نقض می‌کند، حضور دلال‌ها به نام پیمانکاران نیروی کار، آزادسازی مزد با عنوان‌هایی گوناگون ذیل سیاست انجماد مزدی، ژرف‌تر شدن شکاف هزینه‌درآمد که به کاسته شدن قدرت خرید و سقوط سطح زندگی شما منجر گردیده است. سرکوب فعالیت‌های مستقل صنفی و سندیکایی یکی از پیامدهای پورش پی در پی رژیم ولایت فقیه به حقوق شما است. در تمام این سال‌ها انباشت سرمایه به پهای فقر و فلاکت تهیدستان جامعه و از آن جمله شما کارگران، دهقانان، و زحمتکشان فکری و بدی همراه بوده است.

امروز با خیزش گستردهٔ مردمی در شهرهای گوناگون کشور فرصتی تاریخی پدید آمده است تا حکومت فاسد و ضد مردمی جمهوری اسلامی به چالشی جدی کشانده شود و بتوان با مبارزهٔ هماهنگ راه را برای رهایی ایران از چنگال استبداد هموار ساخت. در این اوضاع و احوال حساس، طبقه کارگر ایران و متحدانش از جمله دهقانان و کارمندان و حقوق بگیران محروم می‌توانند با پیوستن به جنبش مردمی و فلج کردن چرخ اقتصادی رژیم نقشی مهم و یگانه در به پیروزی رساندن جنبش مردمی داشته باشند. باید با تمام توان و هوشیاری در مسیر آگاهی بخشی، تدارک، و سازمان‌دهی اعتصاب عمومی کارگران و کارمندان و همه زحمتکشان کشور حرکت کرد. تأخیر در این زمینه می‌تواند این فرصت را به رژیم ضد مردمی حاکم بدهد تا خود را از مهلکه‌ای جدی که در آن گیر کرده است نجات دهد. فراموش نکنیم که منبع همه محرومیت‌ها، نابودی صنایع تولیدی، تحمیل دلالتان بازار کار که خون کارگران را می‌مکند و سرکوب خشن هر صدای اعتراضی، رژیم ستمگر حاکم است. هرگونه عقب‌نشینی موقتی تنها کمکی به نجات حکومت از سقوط است و نه قدمی در

ادامه در صفحه ۹

ادامهٔ بیانیه نشست کمیته مرکزی ...

پیامی به سفارتخانه‌های آمریکا در تهران و پاریس نوشت: "ما به این نتیجه رسیده‌ایم که برقراری ارتباط مستقیم با اطرافیان خمینی تصمیم بسیار خوبی است." ژیسکار دستن در دوران ریاست‌جمهوری‌اش در فرانسه پیام محرمانهٔ جیمی کارتر را به خمینی رساند و همچنین میزبان کنفرانسی در گوادلوپ (۱۴ دی‌ماه ۱۳۵۷) بود که رهبران چهار دولت غربی در آن گردهم آمده بودند و دربارهٔ رژیم پهلوی و آیندهٔ آن با توجه به منافع خودشان تصمیم‌هایی گرفتند. در آن دورهٔ پرتلاطم، در زمانی که مردم ایران به امید دگرگونی‌های اساسی به خیابان‌ها می‌آمدند، کوشش و هدف دولت آمریکا و سران کشورهای قدرتمند غربی که در کنفرانس گوادلوپ پذیرفته بودند "کار شاه تمام است"، توجه‌شان به جلوگیری کردن از تعمیق انقلاب و ممانعت از افتادن رهبری انقلاب به دست نیروهای ترقی خواه و چپ معطوف شد. ژیسکار دستن در نشست گوادلوپ گفته بود: "اگر شاه بماند، ایران دچار جنگ داخلی خواهد شد. مردم زیادی کشته خواهند شد و کمونیست‌ها نفوذ فوق‌العاده زیادی به دست خواهند آورد..."

امروز نیز ما شاهد این واقعیت هستیم که به‌رغم اینکه مردم هوشیار ما در مبارزهٔ خیابانی خود به روشنی شعار "نه شاه، نه رهبر، مرگ بر ستمگر" را می‌دهند امیرالایس و ارتجاع با تمام توان تبلیغاتی‌شان تلاش می‌کنند جنبش مردمی به‌پاخاسته را در جهت منافع کارگزاران همچون طرفداران رضا پهلوی و مجاهدین مهندسی کنند که از هم‌انگون قمه به‌کمتر برای همه نیروهای مترقی و آزادی خواه خصوصاً نیروهای چپ خط‌ونشان می‌کشند. تجربهٔ دردناک انقلاب بهمین نشان داد که جایگزین کردن یک حکومت استبدادی و ضد مردمی با نوع دیگری از استبداد و دیکتاتوری نمی‌تواند خواست‌های اکثریت قاطع مردم ما برای تحقق آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی برآورده کند. نیروهایی همچون سلطنت‌طلبان که پروندهٔ قتل‌سوزی از سرکوب و خونریزی در میهن ما دارند و خود از عامل‌های اصلی رشد "اسلام سیاسی" و روحانیت فشری برای مقابله با اندیشه‌های مترقی بوده‌اند یا نیرویی مانند سازمان مجاهدین که خود بر اساس نظریات ارتجاعی اسلامی - فرقه‌ای با پول کشورهایی همچون عربستان سعودی در مقام پاسدار منافع آن‌ها عمل می‌کنند نمی‌توانند مدافع راستین حقوق مردم ما باشند. سازمانی که زنان عضوش ناچارند حجاب اسلامی را رعایت کنند و تنها سازمان اپوزیسیون در کشور است که پروندهٔ قتل‌سوزی از شکنجه و آزار و اذیت اعضای خود در سازمان عفو بین‌الملل و دیگر نهادهای حقوق بشری دارد نمی‌تواند مدافع راستین مبارزه قهرمانانهٔ زنان میهن ما برای رهایی از زنجیرهای حجاب اجباری باشد.

امروز بیش از هر زمان دیگری ما با همهٔ نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور از جمله ملی و نهضت آزادی گرفته تا طیف رادیکال نیروهای ملی - مذهبی، جمهوری خواهان، و طیف نیروهای چپ مانند حزب چپ ایران (فدائیان خلق)، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان راه کارگر و نیروهای نمایندگان خلق‌های میهن ما از حزب دموکرات کردستان ایران تا فرقهٔ دموکرات آذربایجان و همه نیروهای محلی و ملی مدافع الغای ستم ملی و پایبند به تمامیت ارضی ایران نیازمند همکاری عملی و واقع‌بینانه هستیم.

برپایی یک "ستاد مبارزاتی مشترک" نیازمند توافق بر سر حداقل‌ها است امروز دیگر روشن است که تمام تئوری‌پردازی‌ها دربارهٔ اصلاح‌پذیری حکومت جمهوری اسلامی در برابر واقعیت عملکرد سرکوبگرانه و ضد ملی رژیم ولایت فقیه و سیاست‌های فاجعه‌بار اقتصادی - اجتماعی آن با شکست کامل رو به‌رو شده است و فقط کسانی که هنوز بر طبل "اصلاح‌پذیری" حکومت جمهوری اسلامی می‌کوبند، نه غافل‌اند و نه کم‌هوش بلکه وظیفه‌ای روشن در زمینه دفاع از دیکتاتوری حاکم و ایجاد آشفتگی و پراکندگی در میان نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور دارند.

برای سازمان‌دهی قشرهای گسترده اجتماعی از طبقه کارگر و زحمتکشان گرفته تا کارمندان، معلمان، بازنشستگان، زنان، جوانان و دانش‌جویان و دانش‌آموزان که این‌چنین در مقابل گزمتگان ارتجاع ایستادگی کرده و می‌کنند نیروهای ملی و مترقی می‌توانند پیرامون چند اصل محوری که

ادامهٔ بیانیه نشست کمیته مرکزی ...

دلسوزی برای منافع زحمتکشان.

زنان مبارز و آزادی خواه ایران!

شما با حضور پر شکوهتان در عرصه‌های گوناگون پیکاری که هم‌اکنون در میهن ما جریان دارد، بار دیگر پایه‌های استبداد را به لرزه درآورده‌اید. امروز هیچ عرصه‌ای از مبارزه نیست که نشان از حضور پررنگ و تأثیرگذار شما نداشته باشد. علاوه بر مبارزه در راستای برابری و رفع تبعیض و خشونت، رفع تبعیض در اشتغال و مزد مساوی با مردان در کار یکسان و پایان دادن به حجاب اجباری حضور جسورانه‌تان در تجمع‌های خیابانی شهرها از پیکار خستگی‌ناپذیر شما زنان مبارز و آزادی خواه ایران بر ضد رژیم‌های استبدادی و ضد مردمی شاه‌ی و ولایتی حکایت دارد. شما در عمل ثابت کردید که می‌توانید نقش تاریخی‌تان را به‌شایستگی انجام دهید و مسئولیت آن را برعهده بگیرید. بر اساس این شایستگی و ظرفیت بالای کنش‌گری شما زنان، رژیم زین‌ستیز جمهوری اسلامی از همان فردای انقلاب سیاست سرکوب و تحقیر و نقض حقوق انسانی‌تان را در دستورکارش قرار داد و با هجوم بردن و دستبرد زدن به دستاوردهای سال‌ها مبارزه شما و نسل‌های پیشین زنان ایران و با تصویب انواع قانون‌های زن‌ستیزانه، تلاش فراوان کرد تا سیاست فرودست نگه‌داشتن و حذف تدریجی‌تان از عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی را عملی سازد. حزب توده ایران در پیکار ۸۱ ساله‌اش همواره از مبارزات برحق شما پشتیبانی کرده و افتخار می‌کند که در مقام نخستین نیروی سیاسی برابری کامل حقوق زن و مرد را در برنامه خود گنجانید، و این در اوضاع و احوالی بود که سخن گفتن از برابری زن و مرد در جامعهٔ مردسالار به‌خصوص در آن زمان جرمی نابخشودنی بود. حزب توده ایران امروز نیز اعتقاد راسخ دارد که بدون آزاد شدن زنان از ستمی که بر آنان می‌رود، آزادی و عدالت اجتماعی قدم بر میهن ما نخواهد گذاشت.

امروز مبارزهٔ دلاورانه و حق‌طلبانهٔ شما همراه با شعار "زن، زندگی، آزادی" تحسین همه نیروهای مترقی و آزادی خواه جهان را برانگیخته و ما اطمینان داریم که این پیکار تاریخی که شما امروز در آن نقشی یگانه برعهده دارید سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

دانشجویان، جوانان، و دانش‌آموزان مبارز و آگاه!

از ۱۶ آذرماه ۱۳۳۲ تا میدان‌های نبرد انقلاب ۵۷ تا مبارزهٔ دلیرانه شما در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ تا صحنه‌های پیکار دلیرانه‌تان در هفته‌های اخیر از دانشگاه شریف تا تمامی دانشگاه‌های کشور و در وضعیتی که با یورش وحشیانه و خونریز گرمگان حکومت استبدادی جمهوری اسلامی رو به‌رو بوده‌اید نشانی روشن از سنت تاریخی مبارزه‌جویی شما دانشجویان و جوانان کشور بر ضد حکومت‌های استبدادی در میهن ما دارد. شعارها و عملکردهای شما در سیر وقایع سیاسی کشور و به‌ویژه در دو دههٔ اخیر از روحیه پرسشگر و شناخت عمیق و سطح بالای آگاهی و هوشیاری شما نسبت به وضعیت بغرنج سیاسی کشورمان حکایت دارد. پشتیبانی شما از مبارزات کارگران، زنان، و دیگر جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، در گسترش مبارزات مردم میهن‌مان تأثیرگذار بوده است. شعارهای هوشیارانه شما در جریان اعتصاب‌های اخیر از "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" و "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، و فراخواندن طبقه کارگر و زحمتکشان به میدان مبارزه بلوغ و آگاه سیاسی شما در شرایط بسیار بغرنج و حساس کشور را به‌اثبات می‌رساند.

حزب‌ها، سازمان‌ها، نیروها، و شخصیت‌های ملی، آزادی خواه، و عدالت‌جوی ایران

شما در سراسر چهل و چند سال گذشته شاهد بوده‌اید که به‌رغم همهٔ محدودیت‌ها، سرکوب‌ها، تضییق‌ها، و بگیروبیندها، مردم رنج‌دیدهٔ ایران هرگز از حق‌طلبی و آزادی خواهی دست برنداشته‌اند و هر جا که امکان و توانش را داشته‌اند رژیم حاکم و دستگاه سرکوبگر آن را به‌چالش کشیده‌اند. ما امروز در میهن‌مان نضج‌گیری وضعیتی تاریخی و مهم را شاهدیم که بر مسئولیت تک تک ما در پاسداری از این نهال نو دمیده افزوده است. ما در کنگرهٔ اخیر حزب‌مان تأکید کردیم که خوب می‌دانیم جهان‌بینی‌ها، ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها،



با هم برای تشکیل جبههٔ واحد ضد دیکتاتوری
برای
آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی
و
برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

موضوع‌گیری‌های سیاسی، و برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی درازمدت همهٔ ما حزب‌ها، سازمان‌ها، نیروها، و شخصیت‌های ملی، آزادی خواه، و عدالت‌جوی ایران یکسان نیست. واقعیت تنوع طبقات و قشرهای اجتماعی چنین تمایزی را دیکته می‌کند و این امری طبیعی است. به‌همین دلیل ما اینجا و آنجا کم یا بیش با دیدگاه‌های یکدیگر دربارهٔ آیندهٔ ایران توافق کامل نداریم، و این نیز امری طبیعی است. ما ممکن است اینجا و آنجا انتقادهایی به سیاست‌ها و عملکردهای یکدیگر داشته باشیم، ولی به‌اعتقاد ما، هر حزب و سازمان و نیرویی حق دارد که مبارزهٔ مستقل میهن‌دوستانه و ترقی‌خواهانهٔ خود را بر پایهٔ ارزیابی‌های مستقل خود و با شیوه‌هایی متناسب با دیدگاه‌ها و توان خود به‌پیش ببرد. ما به‌این مبارزهٔ مستقل در همهٔ عرصه‌های جاری مبارزهٔ اجتماعی-اقتصادی-سیاسی احترام می‌گذاریم. ولی این امر نافی ضرورت اتحاد عمل و همکاری بین نیروهای ملی دموکراتیک نبوده و نخواهد بود.

هم‌زمان!

امروز این خطر جدی نیز وجود دارد که موج سواران و قدرت‌های خارجی و ارتجاع منطقه بخواهند از جنبش عظیم مردمی میهن ما به‌سود منافع راهبردی خودشان در منطقه بهره‌جویی کنند و تنها با هوشیاری و تلاش مشترک ماست که می‌توان جلو هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی میهن‌مان را با تمام توان سد کرد.

مردم مبارز و آگاه ایران!

حکومت استبدادی، ضد‌مردمی و سراپا فاسد جمهوری اسلامی سد اساسی تحقق خواست‌های اولیهٔ شما در تمامی عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه ماست. تجربهٔ چهل سال گذشته و هفته‌های اخیر نشان داده است که حکومت فقها عامل اصلی بی‌امنی، بی‌ثباتی، فقر گسترده، محرومیت بی‌سابقه، بیکاری، و تخریب محیط زیست در میهن ماست. حکومتی که رهبر آن خود را "نمایندهٔ خدا" بر روی زمین می‌داند و وراثی همه قوانین و نهادهای مندرج در قانون اساسی کشور عمل می‌کند نشانه روشنی از ساختار و وجههٔ عمیقاً قرون‌وسطایی و ضد مردمی این نظام سیاسی است که تا آن را از میان برداشتن نمی‌توان به آینده ایران، آینده‌ای رها از زنجیرهای استبداد، آینده‌ای در راه تحقق آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی امیدوار بود. تحقق این امر به همدلی گسترده در سطح ملی و دفاع شجاعانه و مستقیم از مبارزهٔ زنان، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان، و همه زحمتکشان کشور نیاز دارد. همه نشانه‌ها حاکی از آن‌اند که حکومت استبدادی هر روز بیش از پیش تضعیف و پایه‌های آن سست‌تر می‌گردد. فرصت را باید مغتنم شمرد و باید به سوی پایان دادن بر رژیم ولایت فقیه و استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان گام‌هایی بلندتر برداشت.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
مهرماه ۱۴۰۱

همبستگی حزب های کارگری و کمونیستی جهان با مبارزه مردم ایران

در ادامه ابراز همبستگی پرشور و ترقیخواهانه حزب های کمونیست کارگری جهان و نهاد های دموکراتیک و سندیکایی در کشورهای مختلف که در شماره قبل نامه مردم و همچنین در سایت حزب پیام های آنان منتشر شده بود، در روزهای اخیر پیام های دیگری دریافت کردیم که متن برخی از آن ها را در ادامه برای اطلاع افکار عمومی و خوانندگان نامه مردم منتشر می کنیم.

پیام همبستگی حزب کمونیست پرتغال

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
لیسبون، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ [۲۱ مهر ۱۴۰۱]

رفقای عزیز،

ما رخدادهای اخیر ایران، از جمله سرکوب خشونت آمیز کارگران و مردم ایران را که برای حقوق خود- به ویژه حقوق زنان ایران- مبارزه می کنند، با نگرانی دنبال می کنیم. همچنین، مانورهایی که برای بهره برداری از مشکلات واقعی مردم صورت می گیرد و هدف آنها تشدید دخالت، بی ثبات سازی، و تجاوز خارجی به کشور شماسست، موجب نگرانی ماست.

همچون موفقیت های قبل، این بار نیز ما همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مردم ایران و به ویژه با حزب شما ابراز می کنیم. حزب شما در شرایطی سخت و در حالی که فعالیت مخفی دارد، جانب کارگران، جوانان، زنان، و توده های مردم ایران را می گیرد، و به مبارزه در راه تحقق دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، حاکمیت ملی، صلح، و سوسیالیسم ادامه می دهد.

کارگران و خلق های ایران در دوره ای دشوار و اوضاعی پیچیده زندگی می کنند. امپریالیسم، و پیش از همه امپریالیسم آمریکا، علیه کشورهایی که به سلطه و سرکردگی امپریالیسم و استراتژی اش در رویارویی با این کشورها تن در نمی دهند، چندین جبهه تجاوز، دخالت، و بی ثبات سازی باز می کند. مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی و اقتصادی و برای دموکراسی بیش از پیش به دفاع از حاکمیت ملی پیوند خورده است.

ما بار دیگر همبستگی خود را با مردم مبارز ایران اعلام می کنیم. ما تأکید می کنیم که مردم ایران تنها کسانی اند که حق دارند در مورد سرنوشت خود و ایران، دور از دخالت و فشار خارجی، تصمیم بگیرند.

دفتر امور بین المللی حزب کمونیست پرتغال

پیام همبستگی حزب کمونیست آمریکا

حزب کمونیست آمریکا همبستگی خود را با رفقای خود در حزب توده ایران و با مردم ایران ابراز می کند که شجاعانه علیه سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ایران مبارزه می کنند. زحمتکشان ایران بار دیگر برای ابراز ناراضی از قوانین غیردموکراتیک و به شدت محدودکننده دولت علیه زنان به پا خاسته اند. مرگ دختر جوانی به نام مهسا امینی در بازداشت نهادهای دولتی مورد تازه ای از اعمال خشونت علیه مردم و به ویژه زنان ایران است.

حزب کمونیست آمریکا خشونت بی رحمانه جمهوری اسلامی ایران و بسیج ستیزه جوی آن و بازداشت ها و قتل هایی را که به کشته شدن بیش از ۱۵۰ نفر در تظاهرات مسالمت آمیز منجر شده است محکوم می کند.

حزب کمونیست آمریکا به زحمتکشان ایران، به ویژه به نسل جوان به خاطر پیکار شجاعانه اش برای دموکراسی و عدالت اجتماعی در شرایطی بسیار دشوار، درود می فرستد. تاریخ غنی مبارزه زحمتکشان ایران در راه دستیابی به دموکراسی و استقلال برای همه ترقی خواهان سراسر جهان الهام بخش است.

ما در ایالات متحد آمریکا با نوع متفاوتی از سرکوب مواجهیم، اما در مبارزه شما برای دموکراسی و عدالت اجتماعی نیز شریک هستیم. ما همواره با خطر راست افراطی مواجهیم که دموکراسی در این کشور را مدام تهدید می کند. طبقه کارگر آمریکا نیز با تمام بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی، از جمله تبعیض علیه زنان و اقلیت ها، مبارزه می کند. ما همچنین برای مبارزه با نیروهای امپریالیسم که ایران را هدف می گیرند، و نیز برای متوقف کردن دخالت های نظامی و اقتصادی و... آمریکا در همه کشورهای

مستقل دیگر، تلاش می کنیم. ما تمام تحریم های اقتصادی را که آمریکا و متحدان امپریالیستی اش بر کشور شما اعمال کرده اند محکوم می کنیم. این تحریم ها آسیب زیادی به زحمتکشان ایران زده است.

ما با اقدام های امپریالیستی آمریکا برای تغییر رژیم در ایران مخالفیم. امپریالیسم آمریکا در ایران خواهان دولتی مطیع در قدرت است، همچنان که در زمان شاه بود.

اتحاد زحمتکشان، سندیکاهای کارگری، دانشجویان، معلمان، کارگران، و روشنفکران منبع مهم قدرت جنبش شماسست و به موفقیت در مبارزه برای دموکراسی و استقلال کمک خواهد کرد.

حزب کمونیست آمریکا فعالیت های رفقای خود در حزب توده ایران را فعالانه دنبال می کند، و همراه با آنان، همبستگی خود را با مبارزه برای دموکراسی، استقلال، و عدالت اجتماعی در ایران اعلام می کند. با ابراز همبستگی،

شعبه امور بین المللی، حزب کمونیست آمریکا

پیام حزب کارگران ایرلند در همبستگی با مبارزه مردم ایران

۱۶ اکتبر ۲۰۲۲ [۲۴ مهر ۱۴۰۱]

حزب کارگران ایرلند همبستگی خود را با مردم ایران اعلام می کند که در حال مبارزه ای شجاعانه با دیکتاتوری دین سالار حاکم بر ایران هستند. مبارزات دانشجویان، جوانان، زنان، و کارگران با این رژیم، نمایی از قدرت مردم ایران در مطالبه حقوق سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شان در برابر درنده خویی آشکار این رژیم است.

قتل مهسا امینی ۲۲ ساله به دست گشت ارشاد؛ سرکوب بی رحمانه تظاهرات؛ نقض مداوم حقوق زنان؛ خصوصی سازی ها و وارد کردن ضربه های بی رحمانه اجتماعی و اقتصادی به کارگران و خانواده های آنها؛ همگی در وقوع اعتراض ها و اعتصاب های سراسری کنونی سهم داشته است. اقدام قهرمانانه کارگران صنعت نفت و گاز و فراخوان شجاعانه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران برای اعتصاب سراسری و دست از کار کشیدن در مدرسه ها، زمینه را برای گسترش مبارزه با رژیم ایران فراهم می کند.

حزب کارگران ایرلند مبارزه جوانان و زنان ایران را تحسین می کند که تا کنون نیز بهای سنگینی برای نبرد خود در راه تحقق حقوق دموکراتیک و پیشرفت اجتماعی پرداخت کرده اند. بسیاری از این جوانان و زنان شکنجه و زندانی شده اند و برخی دیگر هزینه نهایی را با از دست دادن جان خود پرداخت کرده اند.

چشم انداز مبارزات مردم ایران و طبقه کارگر ایران در حال گسترش و تعمیق است. گزارش هایی که در مورد کشته و زخمی شدن زندانیان در پی آتش سوزی بزرگ در زندان منفور اوین منتشر شده است، ما را نگران کرده است. در این زندان، صدها زندانی سیاسی محبوس اند که در جریان اعتراض های گسترده در آن کشور بازداشت شده اند.

حزب کارگران ایرلند درودهای گرم خود را به حزب توده ایران و کارگران و فعالانی تقدیم می کند که با تمام وجود در تظاهرات و اعتراض های جاری برای ایستادگی در برابر رژیم دین سالار و تاریخ اندیش ایران شرکت می کنند.

حزب کارگران ایرلند ضمن آنکه از مبارزه مردم ایران با دیکتاتوری [حاکم بر ایران] حمایت می کند، تلاش قدرت های امپریالیستی را برای دخالت در این تحولات و به انحراف کشیدن آن به سود امپریالیسم، محکوم می کند.

نه به مداخله امپریالیستی!

آری به حاکمیت ملی و حقوق دموکراتیک و اجتماعی!

آری به پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم!

پیروز باد مبارزه مردم ایران با دیکتاتوری حاکم!

تد تاینان، صدر، جری گرنجر، دبیر بخش بین المللی

کمیته اجرایی مرکزی حزب کارگران ایرلند



آمده‌اند، و به عهده گرفتن نقش پیشتاز در بیان خواست‌ها و در تعیین سمت‌وسو و چگونگی برآمد نهایی است.

ما از خواست‌های زنان و دانشجویان و جوانان ایران حمایت می‌کنیم. ما از خواست زنان برای رهایی از محدودیت‌های بی‌وقفه‌ای که حاکمان دین‌سالار ایران بر آنها تحمیل می‌کنند، حمایت می‌کنیم. ما مقاومت و سرسختی بی‌باکانه آنها را تحسین می‌کنیم. ما از همه طرف‌های درگیر [در اعتراض‌های ایران] می‌خواهیم که دست به دست دیگری بدهند که به دنبال تغییرند، تا گنجانده شدن خواست‌های آنها در برنامه‌ای مترقی برای کل ملت تضمین شود. امکان غلبه و پیروزی خارجی نیز واقعی است. پیدا کردن متحدان لازم در میان طبقه کارگر که قدرتمندترین دشمن ارتجاع است، مؤثرترین راه برای تضمین خنثی شدن مداخله خارجی و تحقق پیشروی مترقی واقعی است. ما این ارزیابی حزب توده ایران را تأیید می‌کنیم که ویژگی مبارزه کنونی را پیش از هر چیز اعتراض زنان و جوانان و دانشجویان دانسته است و اشاره می‌کند که اگر در روند به چالش کشیدن رژیم سرکوبگر ایران، که اعتراض‌های کنونی بیانگر آن است، امیدی به ایجاد تغییر واقعی باشد، این امر مستلزم مشارکت کارگران و دیگر زحمتکشانی است که پیشگام اعتراض‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸ بودند.

حزب کمونیست کانادا از مردم ایران حمایت می‌کند، نه از دولت‌های امپریالیسم؛ و برای زنان و حامیان آنها پیروزی‌ای را که سزاوار آن‌اند آرزو می‌کند.

کمیته اجرایی مرکزی، حزب کمونیست کانادا
۱۱ اکتبر ۲۰۲۲ [۱۹ مهر ۱۴۰۱]

پیام حزب کمونیست نروژ

حزب کمونیست نروژ از مبارزات زنان، جوانان و کارگران ایران پشتیبانی می‌کند. حزب کمونیست نروژ و سازمان جوانان کمونیست‌های نروژ با حمایت و همبستگی خود از احزاب خواهر و رفقا در ایران امید دارند تا زنان، کارگران و دانشجویان ایرانی در مبارزه با جنایات و ظلم رژیم تئوکراتیک در جمهوری اسلامی تا پیروزی به پیش بروند.

اعمال سرکوب، آزار و اذیت و کشتار سیستماتیک توسط نیروهای امنیتی و به اصطلاح «پلیس اخلاقی» علیه زنان، کارگران اعتصابی، دانشجویان، کمونیست‌ها و دگرپاشان ماهیت ارتجاعی رژیم کنونی را که برخلاف منافع طبقه کارگر ایران و مانع مبارزه آنها برای سوسیالیسم و دموکراسی است را نشان می‌دهد. حزب کمونیست نروژ و کمونیست‌های جوان در نروژ امروز در کنار حزب توده ایران و سازمان‌های مترقی و کارگری ایران قرار دارند و به این وسیله همبستگی خود را با مبارزات عادلانه مردم ایران ابراز می‌کنند. در عین حال، ما تلاش‌های فرصت‌طلبانه امپریالیست‌های غربی و رسانه‌های آنها برای براندازی این اعتراضات مردمی به هدف پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی، تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک و جنگ‌افروزی را محکوم می‌کنیم.

زنده باد مبارزه حق‌طلبانه زنان ایران و طبقه کارگر! زنده باد مبارزان ایران!

زنده باد کمونیسم! زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

حزب کمونیست نروژ

رهبر حزب رونا اونسن

۲۰ مهرماه ۱۴۰۱

ادامه همبستگی حزب‌های کارگری و ...

بیانیه حزب کمونیست کانادا

تظاهرات اعتراضی در ایران، فرصتی برای پیشروی مترقی یا غلبه و پیروزی خارجی؟

در پی قتل بی‌پروای مهسا امینی به دست رژیم دین‌سالار سرکوبگر [ایران] به رهبری آیت‌الله علی خامنه‌ای و با ریاست رئیس‌جمهور ابراهیم رئیسی در دولت، اکنون زنان پیشگام مبارزه در ایران شده‌اند. زنان در اعتراض به قوانین حاکم بر زندگی خود و نقش «پلیس اخلاق» [گشت ارشاد] در اجرای آن قوانین - قوانین منسوخ و سرکوبگرانه‌ای که حتی بر جنبه‌های دنیوی زندگی هر زن حاکم است - شجاعت عظیمی به نمایش گذاشته‌اند. برادران، پدران، و دوستان زنان نیز که حقانیت و اکتنش زنان به سرکوب را درک می‌کنند، به زنان پیوسته‌اند.

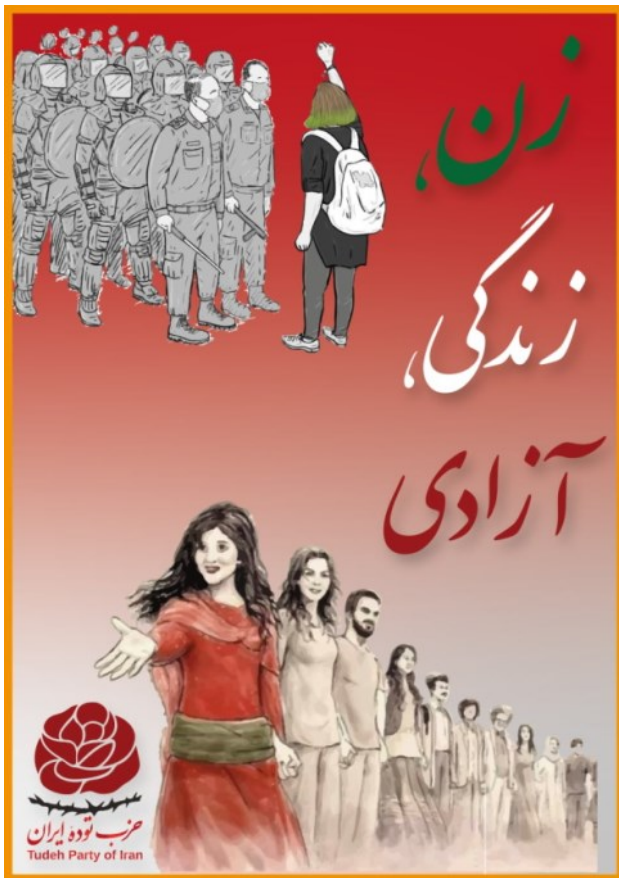
گرچه مرگ مهسا امینی بود که اعتراض‌های جاری را برانگیخت، مسائل و موضوع‌های دیگری نیز وجود دارد که مردم ایران را در پنج یا شش سال گذشته خشمگین کرده است، از جمله مسائل اقتصادی در پی افزایش قیمت‌ها و به ویژه افزایش قیمت بنزین. در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ [۱۳۹۸ و ۱۳۹۹] تظاهرات دیگری در سراسر کشور در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی حکومت صورت گرفت.

بسیاری از مردم در غرب شاهد آن بوده‌اند که امپریالیسم، و پیش از همه امپریالیسم آمریکا، ناراضی‌هایی برحق مردم محلی [کشورهای دیگر] را به انحراف کشیده است تا امکان تغییر رژیم محلی در راستای تأمین منافع شرکت‌های بین‌المللی و دولت‌هایی که از جانب این شرکت‌ها عمل می‌کنند، فراهم شود. بسیاری از مردم در غرب، احتمال وقوع «انقلاب» مشابهی را در اعتراض‌های اخیر ایران می‌بینند. آنها به درستی از ریاکاری دولت‌های غربی انتقاد می‌کنند که مدعی احترام به حقوق زنان‌اند، ولی از رژیم‌هایی حمایت می‌کنند که حقوق زنان، مردان، کودکان، و کل جمعیت کشور را با خشونت زیر پا می‌گذارند؛ مادام که آن رژیم‌ها امکان دسترسی بدون محدودیت شرکت‌های بزرگ به منابع و سود را فراهم کنند. این از ریاکاری دولت کانادا است که کودتا علیه دولت تا حدودی مترقی در هندوراس را به رسمیت شناخت، به تلاش‌هایی که برای سرنگون کردن دولت مترقی ونزوئلا صورت می‌گرفت فعالانه کمک کرد، در سرنگون کردن رئیس‌جمهور مترقی و منتخب در انتخابات دموکراتیک هائیتی شرکت کرد، و حالا دولت ایران و رفتار آن با زنان و نبود دموکراسی در حکومت ایران را محکوم می‌کند.

امپریالیسم کانادا مجدداً خواهان اعمال تحریم‌های بیشتر بر ایران شده است، تحریم‌هایی که پیش از همه به طبقه کارگر و مردم رنج‌دیده ایران ضربه زده است. دولت فدرال [حزب] «لیبرال» کانادا، و متأسفانه حامیان آن در حزب «نیودموکرات»، همان تصمیم دولت «محافظه‌کار» در سال ۲۰۱۲ برای گسستن همه روابط دیپلماتیک با ایران را حفظ کرده‌اند، تصمیمی که به طبقه کارگر کانادا و ایران آسیب می‌رساند. حزب کمونیست کانادا، دولت کانادا را به علت استفاده‌اش از تحریم‌ها به درخواست کسانی که خواهان تبدیل کردن ایران به کشوری نفت‌محور با حکومتی دست‌نشانده در خدمت شرکت‌های بزرگ نفتی‌اند، محکوم می‌کند.

ما متوجه هستیم که دست‌های کثیف امپریالیسم ممکن است در این بحران دخالت داشته باشد، عناصر خاصی را تأمین مالی کند، از برخی بخش‌ها به شکل‌های دیگری حمایت کند، و تلاش کند برآمد این اعتراض‌ها را [به سمت دلخواه خود] هدایت کند. خطر ترفندهای خارجی واقعی است و همیشه وجود دارد. با این حال، ناراضی‌های مردم ایران [نیز واقعی است، خشم [آنها] عمیق و جدی است، و تظاهرات [آنها] برحق و مبتنی بر ناخشنودی و نفرت مردمی از سیاست‌ها و رفتارهای رژیم کنونی ایران است.

حزب کمونیست کانادا هر دولت و نهاد خارجی را که تلاش کند از اعتراض‌های کنونی [در ایران] برای پیشبرد برنامه‌های امپریالیستی استفاده کند، محکوم می‌کند. بهترین راه برای تقویت مبارزه [مردم ایران] و اطمینان از موفقیت آن، پیوستن طبقه کارگر و سازمان‌ها و حزب‌های سیاسی آن به مبارزه، هم‌صدا شدن آن با مردمی که هم‌اکنون به خیابان‌ها



در زمان انتشار این بیانیه، در ماه اکتبر، تاکنون همبستگی سازمان های خواهر زیر را در منطقه و اروپا دریافت کرده ایم.

- ◆ تشکیلات دموکراتیک زنان ایران (ایران)
- ◆ فدراسیون زنان یونان (یونان) - OGE
- ◆ اوامر (ایتالیا) - Awmr
- ◆ کمیته های همبستگی زنان ترکیه (ترکیه)- UWEF
- ◆ مجمع ملی زنان (بریتانیا)- NAW
- ◆ آژانس منابع و توسعه زنان (ایرلند شمالی) - WRDA
- ◆ جنبش دموکراتیک زنان (پرتغال) - (MDM)
- ◆ جنبش زنان قبرس - POGO
- ◆ فدراسیون ملی زنان هندی - NFIW
- ◆ لیگ زنان (عراق)
- ◆ شبکه حقی برای مدافعان حقوق بشر (عراق)
- ◆ شبکه آینده دموکراتیک (عراق)
- ◆ برابری-ورده بوتروس برای حقوق زنان (لبنان)
- ◆ جامعه زنان بحرین (بحرین)
- ◆ انجمن فرهنگی و اجتماعی نیروز (لبنان)
- ◆ لیگ زنان دموکراتیک اتریش
- ◆ شورای هماهنگی زنان مبارز افغانستان (افغانستان)
- ◆ اتحادیه زنان سودانی در انگلستان و ایرلند
- ◆ اتحادیه زنان سوسیالیست (سریلانکا)
- ◆ زنان برای حقوق (سریلانکا)

بیانیه مشترک تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با سازمان های زنان

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۲ بیانیه ای را جهت امضا و حمایت از مبارزات مردم ایران به سازمان های مترقی و خواهر فرستاد. بیش از ۲۰ سازمان و انجمن مترقی در سراسر جهان بویژه سازمان های مبارز زنان در منطقه ضمن امضای خود در موافقت با این بیانیه از مبارزات دلیرانه مردم و بویژه زنان ایران حمایت و سیاست های سرکوب گرانه رژیم دیکتاتوری مذهبی رژیم ولایتی را محکوم کردند. متن کامل این بیانیه و امضاهای آن به قرار زیر است:

ما، سازمان های امضاکننده زیر که برای رهایی زنان از هر شکلی از استثمار مبارزه می کنیم، توجه داریم که:

- در تاریخ ۱۵ تیر ۱۴۰۱، ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران، دستور اجرای سختگیرانه قانون حجاب اجباری را صادر کرد. بدین ترتیب حمله وحشیانه و تهاجمی به زنان به بهانه دفاع از حجاب و عفاف اسلامی آغاز شد.

- روز ۲۵ شهریورماه مهسا امینی زن جوان ۲۲ ساله به دلیل "بد حجابی" دستگیر شد. مردم در اعتراض به مرگ او در بازداشت، و با خواست پایان دادن به حجاب اجباری به خیابان ها آمدند.

- زنان ایران با حمایت قشرهای مختلف مردم، مخالفت خود را با چهل و سه سال سیاست های زن ستیزانه ی قوانین جمهوری اسلامی که زنان را در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور به شهروند درجه دوم تنزل داده است، ابراز می دارند.

- از آغاز اعتراضات، تاکنون هزاران فعال مدنی، دانشجو، معلم، خبرنگار و کارگر دستگیر و زندانی شده اند. زنان و دختران جوان در خط مقدم اعتراضات قرار دارند. دختران و پسران نوجوان از جمله کسانی هستند که در بازداشت کشته شده اند. گزارش شده است که بیش از ۱۵۰ نفر، از جمله کودکان خردسال، در جریان اعتراضات و بازداشت در سراسر ایران کشته شده اند که اکثریت آنها از استان سیستان و بلوچستان هستند.

- شعار "زن، زندگی، آزادی" کاراکنتر اصلی اعتراضات را برای حقوق زنان برای داشتن زندگی ای عاری از محدودیت های تحمیلی و مذهبی مشخص کرده است.

* ما امضا کنندگان حمایت خود را از مطالبات زنان ایرانی برای پایان دادن به حجاب اجباری و لغو کلیه قوانین و سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که با زنان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می کند، اعلام می کنیم.

* ما خواستار آزادی معترضان هستیم که به دلیل تظاهرات مسالمت آمیز دستگیر شده اند. ما خواهان بررسی و تحقیقات مستقل و بی طرفانه در مورد مرگ بازداشت شدگان و معترضان هستیم.

* ما دیکتاتوری ارتجاعی مذهبی حاکم بر ایران را به دلیل سیاست های سرکوبگرانه خود علیه معترضان که از حقوق مشروع و قانونی خود برای اعتراض، مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر استفاده می کنند، محکوم می کنیم.

* ما هرگونه مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی و تحولات ایران را از هر طرف که باشد به ویژه از سوی ایالات متحده، بریتانیا، اتحادیه اروپا و اسرائیل رد می کنیم و در برابر آن مقاومت می کنیم. آینده نظام سیاسی در ایران تنها و منحصرأ مربوط به مردم ایران است و نه هیچکس دیگر.

در سند راهبرد (استراتژی) امنیت ملی بایدن، چین مورد هدف امپریالیسم ایالات متحده قرار گرفته است

نفوذ خود می‌داند. بایدن صدای نگرانی طبقه سرمایه‌دار ایالات متحده را بازتاب می‌دهد، نگرانی از اینکه چین چرا به تدریج از نظام سوسیالیستی‌اش دست نمی‌کشد و صنایع عمده‌اش را برای کنترل بیشتر خارجی و خصوصی‌سازی نمی‌گشاید چندی است که طبقه سرمایه‌دار را آزرده است. این سند، چین را به دلیل بهره‌مندی از "باز بودن اقتصاد بین‌المللی و در همان حال محدود کردن دسترسی به بازار داخلی خود" محکوم می‌کند.

این سند راهبردی پیش‌بینی می‌کند که ده سال آینده "دهه تعیین‌کننده" برای مسدود کردن چین "در حوزه‌های فناوری، اقتصادی، سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، و حکمرانی جهانی" خواهد بود. به نظر می‌رسد زمان انتشار راهبرد جدید امنیت ملی با هدف برجسته کردن حمله‌ها علیه چین در رسانه‌های جریان اصلی در چند هفته اخیر است. اعلام راهبرد جدید امنیت ملی تنها چند روز پیش از گشایش بیستمین کنگره حزب کمونیست چین (CPC) در پکن صورت گرفت.

با برگزاری این کنگره که مهم‌ترین رویداد سیاسی چین است انتظار می‌رود که پیش‌نویس برنامه و سیاست‌های اقتصادی در سال‌های آینده، ارزیابی رویکردها به کووید-۱۹ و کاهش همه‌گیری، توصیه‌هایی در مدیریت و مهار آن و گزینش رهبری حزب انجام گیرد.

پیش‌بینی می‌شود که کمیته مرکزی جدید منتخب از سوی نمایندگان کنگره مأموریت شی جین‌پینگ، دبیرکل حزب، را برای سومین دوره تمدید کند و برای انتخاب دوباره او در مقام رئیس‌جمهور چین راه را هموار سازد. این اقدام به‌منزله گسست با نشست اخیر رهبران ارشد حزبی و ایالتی چین است که پس از دو دوره بازنشسته شدند. بایدن پس از متهم کردن چین به توطئه‌چینی برای دست‌یابی به جایگاه "قدرت پیشرو جهان" در چند هفته پیش شریات غربی را تغذیه کرد، نشریاتی با پوشش‌های خبری‌ای با این مضمون که شی جین‌پینگ همسان مانو تسه‌تونگ یا ژوزف استالین دیکتاتور تشنه قدرت نشان می‌دهند. سند راهبرد با پیوستن و هم‌خوانی با این روایت‌ها می‌گوید که ایالات متحده "تفاوت‌هایی بنیادی با حزب کمونیست چین و دولت چین دارد."

در این سند برای زمینه‌سازی مبارزه ایالات متحده با اقتدارگرایی، "رفتار" چین (روسیه) بهانه قرار می‌گیرد و از آن با نام "چالشی برای صلح و ثبات بین‌المللی" یاد می‌شود. گفته می‌شود که آن‌ها به راه‌اندازی "جنگ‌های تجاوزکارانه دست زده‌اند یا برای آن تجهیز می‌شوند. در تضعیف فرایندهای سیاسی دموکراتیک دیگر کشورها دست‌اندازی می‌کنند، برای زیر فشار گذاشتن و سرکوب از فناوری و چرخه تأمین این فناوری بهره می‌گیرند و الگوی نابرابر از نظم بین‌المللی ترویج می‌کنند." برای نمونه، این سند درحالی که به حمله غیرقانونی روسیه به اوکراین اشاره می‌کند با لحن همان ادبیات به‌دآوری چین پرداخته و می‌نویسد که این کشور بیش از ۴۰ سال است که با کشور دیگری درگیری مسلحانه نداشته است. حال آنکه این سند از مدارا و چشم‌پوشی ایالات متحده در برابر عملکرد متحدان خودکامه‌اش مانند عربستان سعودی هیچ یادآوری نمی‌کند. چنین نقشی این استدلال که ترویج و پیش‌برد دموکراسی از بنیادهای سیاست خارجی ایالات متحده است را تضعیف می‌کند. شاید هم احتمال قوی‌تر این باشد که برگشت نیرومند اندیشه‌های مارکسیستی شی جین‌پینگ در چین و اراده آشکار او برای نگه داشتن کشور در مسیر سوسیالیسم و نه نگرانی در مورد دموکراسی در حزب کمونیست چین باعث خشم رسانه‌های شرکتی و دولت ایالات متحده شده است.

همان‌طور که گفته شد، جنگ در اوکراین بستر مناسبی را برای راه‌اندازی جبهه‌ای گسترده علیه روسیه فراهم می‌کند. تضاح و پیوست کریمه به خاک روسیه در سال ۱۳۹۳، مداخله نظامی در سوریه و مداخله در انتخابات ایالات متحده، رویدادهایی دیگرند که به فهرست تخلف‌ها در سند افزوده شده‌اند. دولت بایدن با ارسال جنگ‌افزار به ارزش میلیاردها دلار به اوکراین، سیاستی که در سند تصریح شده تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت، افتخار می‌کند که جنگ روسیه را به "شکست راهبردی" تبدیل کرده است. و از این واقعیت مسرور است که ائتلاف نظامی ناتو بهره‌برای ایالات متحده به برکت جنگ، نیرومند شده و گسترش یافته است.

در این سند به رشته رویدادهایی که درگیری را پیش‌بینی می‌کرد از جمله زیر پا گذاشتن پیمان‌های بسته شده پس از جنگ سرد مبتنی بر گسترش نیافتن ناتو، مشارکت ایالات متحده در کودتایی که سرنگونی دولت منتخب اوکراین در سال ۱۳۹۳ و آغاز جنگ داخلی‌ای که از آن زمان بیداد می‌کند را موجب شد و همچنین ستم قومی در منطقه شرقی آن هیچ اشاره‌ای نشده است.

همچنین نکته‌ای که اغلب ناگفته می‌ماند دورنمای پایان جنگ در آغاز بهار گذشته بود، زمانی که اوکراین و روسیه درگیر گفتگو بودند به دستور بوریس جانسون، نخست‌وزیر وقت بریتانیا، و از قرار معلوم بنا بر درخواست بایدن، دولت کی‌یف به ادامه گفتگوها پایان داد. به همین سان نکته‌ای دیگر که از آن یاد نمی‌شود سودی است که ایالات متحده و دیگر شرکت‌های چندملیتی نفت و گاز همراه با سازندگان جنگ‌افزار از این جنگ به‌دست آورده‌اند. چنین نکته پراهمیتی هم نتوانست در نسخه نهایی سند گنجانده شود.

امپریالیسم ایالات متحده سال‌ها و حتا شاید ده‌ها سال است که برای رویارویی با چین آماده می‌شود و تلاش می‌ورزد روسیه را هم در موقعیتی ضعیف نگه دارد. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، چندی پیش با انتشار سند راهبردی جدید امنیت ملی به نهادهای نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده گفت بر "رقابت با چین و مهار روسیه" تمرکز کنند. از هر رئیس‌جمهوری که در ایالات متحده سرکار می‌آید انتظار می‌رود که برنامه راهبرد (استراتژی) امنیت ملی دولت خود را منتشر کرده و او در مقام فرمانده کل جدید اعلام کند که قدرت اقتصادی و نظامی ایالات متحده در جهت چه هدف‌هایی به‌کار گرفته می‌شوند. قرار بود این سند که در ۴۸ صفحه تدوین شده است در دی‌ماه گذشته از سوی بایدن اعلام شود، اما به‌نظر می‌رسد که به‌سبب تهاجم نظامی پیش‌بینی شده روسیه به اوکراین و چگونگی برآمد آن انتشار سند به زمانی دیگر واگذار شد.

با غالب بودن سرخط خبرها از ادامه جنگ بین مسکو و کی‌یف در رسانه‌های همگانی محکومیت روسیه با چین سندی هم‌خوانی پیدا می‌کند. ولی روسیه هنوز خطری برای سلطه‌گری ایالات متحده در جهان به‌شمار نمی‌رود و تنها با عنوان "تهدیدی بسیار جدی" در این سند رتبه‌بندی شده است. به‌جای آن چین است که از نظر بایدن بزرگ‌ترین هدف ترسیم می‌شود. رئیس‌جمهور آمریکا در پیش‌گفتار این سند با استفاده از سرواژه جمهوری خلق چین (People's Republic of China) نوشت: "روسیه و پی‌آرسی (PRC) در عرصه‌های ناهمسانی چالش‌زا هستند. جمهوری خلق چین یگانه رقیبی است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را مخدوش کند و هم از توان اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری لازم برای انجام آن برخوردار است."

در اساس، دولت بایدن از این واقعیت که چین اقتصادی توسعه یافته دارد، پایگاه فناوری بین‌المللی‌ای رقابتی ایجاد کرده، و مناسبات تجاری و همکاری با بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه از طریق ابتکار کمربند و جاده برقرار ساخته است افسوس می‌خورد. "نظم بین‌المللی" ای که چین به‌اصطلاح آن را به‌چالش طلبیده است همین اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و امپراتوری نظامی‌ای است که ایالات متحده از زمان نابودی اتحاد جماهیر شوروی در بیش از سی سال پیش بی‌چالش در کنترل داشته است. مدتی است که خط‌مشی اصلی راهبرد امپریالیستی کنونی ایالات متحده برای همگان آشکار شده است، به‌ویژه از زمانی که دولت اواما سیاست "گردش به سوی آسیا" را اعلام کرد. با این گردش، ایالات متحده نشان داد که از مداخله در خاورمیانه که سرآغاز رویدادهای منتهی به یازده سپتامبر و پس از آن شد دور می‌شود. گرایش به بازدارندگی چین به‌طور جدی از سوی هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت، در سال ۱۳۸۹ اعلام شد. او در نوشتاری تأثیرگذار در نشریه فارین پالیسی آغاز "سده اقیانوس آرام آمریکا" را پیش‌گویی کرد. کلینتون نوشت: "اینده سیاست نه در افغانستان یا عراق، بلکه در آسیا تعیین خواهد شد." ره‌آورد مشخص راهبرد گردش به سوی آسیا کاستن از جنگ‌های ارتش ایالات متحده در صحنه‌های عراق و افغانستان، استقرار منظم ناوهای جنگی ایالات متحده در آب‌های اقیانوس آرام نزدیک چین، بازگشت نیروهای آمریکایی به فیلیپین، و محاصره چین با زنجیره‌ای از پایگاه‌های هوایی و بندرهای دریایی را شامل شد. عملیات نیروی دریایی چین در جزیره‌های دریای چین جنوبی و پیرامون آن، دلیل منطقی و عینی این راهبرد را فراهم کرد.

دونالد ترامپ هم پس از دست‌یابی به قدرت، دادوستد با چین را محدود و راه انداختن جنگ تعرفه‌ای بر ضد کالا‌های ساخت چین را آغاز کرد و به‌این ترتیب موضع ستیزه‌جویانه‌اش را به‌ضد چین اعلام کرد. این موضع‌گیری در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ با به‌هم‌افتادن نظریه‌های توطئه درباره چگونگی پیدایش ویروس این بیماری دنبال شد که به نزادپرستی ضد آسیایی دامن زد چندان که به‌شکل مصیبت‌باری مدیریت دولت ترامپ با ویروس کرونا را به بی‌راهه برد.

دکترین بایدن

اکنون نوبت بایدن است. اگرچه راهبرد امنیت ملی او فرگشت مستقیم سیاست‌های پیشین است، اما دکترین بایدن در زمینه‌سازی برای جنگ سردی طولانی‌مدت برنامه‌ریزی شده‌تر و بی‌پرده‌تر است. رئیس‌جمهور بایدن تأکید می‌کند که چین "با بلندپروازی‌اش قصد دارد گستره نفوذش را در منطقه خود افزایش دهد. این امر توجیه‌ناپذیر تلقی می‌شود، زیرا ایالات متحده منطقه هند و اقیانوس آرام را مانند بسیاری از منطقه‌های دیگر در جهان، بخشی از گستره



سراسر کشور منجر شد، درحالی که طرح گسترش خدمات آموزشی او موجب شد که میلیون‌ها نفر وارد آموزش عالی شوند. سیاست‌های او در محافظت از آمازون به کاهش جنگل زدایی منجر شد. همه این کارها به‌رغم وجود کنگره‌ای به‌طور قطع راستگرا و نماینده‌هایی چون بولسونارو اجرا شد که همه‌گونه تلاشی کردند تا از انجام طرح‌های سوسیال‌دموکراتیک لولا جلوگیری کنند. این دو دیدگاه کاملاً متفاوت برای اداره برزیل را به‌نمایش می‌گذارند که خود قطبی بودن ژرف جامعه را نشان می‌دهد. یک دیدگاه این است که برزیل باید ریشه در ارزش‌های محافظه‌کارانه پدرسالارانه خانواده و قدرت پول داشته باشد. دیدگاه دیگر بر برابری طلبی و پرهیزکاری اجتماعی متمرکز است و رأی دهندگان با رأی‌ای بالا به دیدگاه لولا برای برزیل رأی دادند.

کشوری راستگرا

درحالی که در این انتخابات کانون توجه‌ها بر مبارزه انتخاباتی ریاست‌جمهوری بود درعین حال نشان دهنده ویژگی حقیقی سیاست در برزیل نیز بود. نتایج انتخابات نمایانگر چگونگی تقسیم بخش‌های مختلف کشور است. شمال شرقی برزیل با جمعیت بزرگ آفریقایی‌برزیلیایی و بومی‌اش به‌طور کامل به اختیار حزب کارگران درآمد، زیرا لولا در این منطقه با اکثریت عظیمی پیروز شد و این حزب اداره امور چندین فرمانداری کلیدی را به‌دست آورد. یکی از راهبردهای لولا برای دور دوم انتخابات افزایش مشارکت رأی دهندگان در این مناطق است. برای شناخت بهتر گرایش به راست در سیاست برزیل باید مجلس قانونگذاری فدرال را به‌دقت بررسی کرد. حزب لیبرال بولسونارو با به‌دست آوردن ۱۴ کرسی در برابر ۸ کرسی حزب کارگران، اکثریت مجلس سنا و بیش‌ترین تعداد کرسی در مجلس نمایندگان کنگره (۹۹ کرسی از ۵۱۳ کرسی) را به‌دست آورد. متحدان نزدیک بولسونارو مانند معاون سابق رئیس‌جمهور و ژنرال هم‌لیتون مورائو و وزیران سابق کشاورزی (ترزا کریستینا) و خانواده دامارس آلوز هم‌اکنون سناتور هستند. کریستینا به‌دلیل لغو کردن مقررات مربوط به استفاده از سم‌های کشاورزی ال‌هه زهر لقب گرفته است. بازگشت ادواردو - پسر بولسونارو - به‌طرزی شگفت‌انگیز ادواردو یازولو - وزیر بهداشت سابق بولسونارو - که واکنشی فاجعه‌انگیز به همه‌گیری نشان داد و همچنین ریکاردو سالز - وزیر سابق محیط زیست بولسونارو - که آمازون را به‌نابودی کشاند، با استقبال کنگره همراه شد. در صورت پیروزی لولا در دور دوم راستگرایان طرفدار بولسونارو مانعی بزرگ در برابر اجرای برنامه‌های لولا خواهند بود. قدرت واقعی در کنگره از آن "مرکز بزرگ" (Centr o) است که به‌طور سنتی حدود ۲۰ حزب محافظه‌کار راستگرا را شامل می‌شود. آن‌ها نماینده منافع گروهی‌اند که به "گوشت گاو، انجیل، و گلوله" شناخته می‌شود. این گروه را دامداران بزرگ، مذهبی‌های محافظه‌کار، نظامیان، و پلیس را شامل می‌شوند. این "مرکز" به‌رغم نامش میانه‌رو نیست، بلکه مجموعه‌ای از مقام‌های منتخب فرصت‌طلب و فاسد است که سیطره‌شان بر قدرت به برخی از دلسردی‌ها و نومیدی‌ها در کشور منجر شده است. انتخاب لولا به‌مقام معاون جرالو آکمین در جناح راست میانه (که لولا در سال ۲۰۰۶ / ۱۳۸۵ در مقابل او قرار گرفت) برای جلوگیری از استیضاح لولا از سوی این مجلس محافظه‌کار و تضمین تصویب برخی از قوانین حامی مردم بود و چند تن از اعضای جنبش کارگران بی‌زمین (MST) توانستند برای نخستین بار نامزدهای انتخاباتی‌شان را معرفی کنند و در شورا‌های ایالت‌هایی مانند باهیا، پرنامبوکو، ریودوژانیرو، و ریوگرانده دو سول به‌پیروزی برسانند.

لولا و جهان

از سال ۱۸۹۱ / ۱۲۷۰ خورشیدی تا کنون برزیل

۳۸ رئیس‌جمهور داشته است، ولی فقط نام یکی

ادامه در صفحه ۱۵

انتخاباتی با اهمیت تاریخی در برزیل

روز ۲ اکتبر ۲۰۲۲ / ۱۰ مهرماه ۱۴۰۱، نزدیک به ۱۵۶ میلیون نفر از ۲۱۲ میلیون نفر مردم برزیل برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید، فرمانداران جدید، و نمایندگان جدید مجلس‌های فدرال و ایالتی پای صندوق‌های رأی رفتند. هزاران نامزد انتخاباتی به سراسر کشور رفتند تا مردم را تشویق کنند به دیدگاه‌های مختلف آنان رأی دهند. سرنوشت‌هایی مختلف برای آینده برزیل در نتیجه رقابت ۱۱ نامزد ریاست‌جمهوری با طیفی وسیع از پیشینه‌های سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. دو تن از این نامزدها نماد دو قطب سیاسی در برزیل هستند: ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور نوفاشیست کنونی که از مقام ریاست‌جمهوری خود در برابر رئیس‌جمهور سابق و پرچمدار گرایش چپ در برزیل یعنی لویز ایناسیو لولا داسیلوا (معروف به لولا) باید دفاع می‌کرد. در پایان شب، لولا با ۵۷ میلیون رأی در برابر ۵۱ میلیون رأی بولسونارو، بیش‌ترین رأی را به‌دست آورد، ولی به‌این دلیل که نتوانست بیش از ۵۰ درصد کل رأی را به‌دست بیاورد، در دور نخست پیروز نشد. لولا و بولسونارو در یکشنبه ۳۰ اکتبر ۸/ آبان‌ماه، در دور دوم انتخابات به مصاف یکدیگر خواهند رفت. پس از اعلام نتایج دور نخست، لولا به جمعی از حامیان در ساتوپاولو گفت که اکنون به تمام نقاط کشور خواهد رفت تا از طریق صحبت مستقیم با رأی دهندگان با سیل اخبار جعلی مبارزه کند. در هر انتخاباتی معمولاً مقام فعلی است که پیش‌تاز دور نخست می‌شود، ولی در این کارزار لولا بر بولسونارو پیروز شد. لولا در دو پیروزی قبلی‌اش در انتخابات سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ / ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ مجبور شد برای شکست نامزد راستگرای خود به دور دوم برود. او گفت: "ما در پیروزی در دور دوم خیره هستیم." لولا و بولسونارو هر دو به‌این نکته اشاره کرده‌اند که مبارزه انتخاباتی‌ای شدید در ماه اکتبر خواهند داشت، با کشوری دو قطبی و هیجان‌زده برای انتخاب گزینه‌های پیش روی و احتمال‌هایی که در مورد هر یک از گزینه‌ها روی خواهد.

لولا در برابر بولسونارو

ژائیر بولسونارو پس از بیست‌وهفت سال حضور در کنگره برزیل به ریاست‌جمهوری رسید. کارنامه او در کنگره به‌جای موفقیت در قانونگذاری سخنرانی‌هایی نامنظم و توهین‌آمیز بوده است (تنها دو لایحه پیشنهادی او به قانون تبدیل شد). ستایش فراوان از نیروهای نظامی، از جمله دیکتاتوری نظامی ۲۱ ساله (از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵/۱۳۴۳ تا ۱۳۶۴) و همسویی با مذهب‌گرایی افراطی و راستگرا، از خصلت‌های سیاسی او هستند. او از حمله به تمام اصول نو لیبرالیسم از جمله یورش آشکار بر ضد اقلیت‌های اجتماعی و ایده‌های حقوق بشری لذت می‌برد. او در دوران ریاست‌جمهوری خود موج فراابنده‌گرستی و مطالبات بومیان آفریقایی‌تبار برزیلی از دولت را کاملاً نادیده گرفت. این نگرش به اتهام‌هایی علیه او مبنی بر اینکه سیاست‌های بولسونارو موجب از بین رفتن جنگل‌های بارانی آمازون شده است منجر گردید، جنگل‌هایی که او اجازه چوب‌برداری و استخراج از معادن را در آن‌ها داده بود. واکنش بولسونارو به همه‌گیری کرونا لقب نسل‌کش برایش به‌ارمغان آورد. با این وجود، سبک سیاسی قلدربامانه و لفاظی‌های بیش از حد ملی‌گرایانه‌اش و همچنین ادعاهایش در مبارزه با فساد، موجب شد در میان طبقه متوسط طبقه‌ای که به آن آموزش داده شده بود از دولت نظارتی متنفر باشد و قشرهای مذهبی‌ای که معتقدند او از برزیل در مقابل تغییرهای مهم در جامعه (مانند مسائل خانوادگی و جنسیتی) محافظت خواهد کرد پایگاهی توده‌ای به‌دست بیاورد.

لولا زندگی سیاسی‌اش را در مقام یک رهبر اتحادیه کارگری در مبارزه با دیکتاتوری نظامی آغاز کرد. در سال‌های پایانی دیکتاتوری نظامی‌ای که سعی در ترور و تفرقه‌اندازی بین نیروهای چپ داشت، لولا حزب "کارگران" را در سال ۱۹۸۰ / ۱۳۵۹ بنیانگذاری کرد. او یکی از رهبران کلیدی سال‌های نخست پس از پایان دیکتاتوری بود و به بازسازی نیروهای چپ برزیل (با نامزدی ناموفق در انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، و ۱۹۹۸ / ۱۳۶۸، ۱۳۷۳، و ۱۳۷۷) کمک کرد. لولا که سیاستمداری بسیار زیرک است تشخیص داد سیاست‌های تند چپ در سطح ریاست‌جمهوری در برزیل پیروز نخواهند شد، زیرا برزیل کشوری عمیقاً محافظه‌کار است. او در پی این شناخت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۲ / ۱۳۸۱ پیروز شد، زیرا به امیال رادیکال‌تر خود (مانند انجام اصلاحات ارضی که موضوع اصلی کارزار انتخاباتی‌اش در سال ۱۹۸۹ / ۱۳۶۸ بود) اهمیت کم‌تری داد و بیش‌تر به تعهدش در مورد رفاه اجتماعی و در دستکاری پرداخت. برنامه‌های او علیه فقر (دو طرح پایان گرسنگی و یارانه خانواده) به کاهش سوء‌تغذیه در

ادامه مدرن سازی چین ادامه ...

مدرن سازی توسعه صلح آمیز

چین نقش‌های متعددی در صحنه جهانی ایفا کرده است: سازنده صلح جهانی، باری رساننده به توسعه جهانی، و مدافع نظم بین‌المللی. موضع و سیاست این کشور در مسائل گوناگون همواره با در نظر داشتن بی‌غرضی و عدالت بین‌المللی تنظیم شده است. چین در برابر سلطه‌طلبی و سیاست اعمال قدرت ایستادگی کرده و به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورهای احترام گذارده است. به همین ترتیب، چین از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود نیز با قاطعیت دفاع می‌کند و هیچ شکلی از جدایی‌طلبی را تحمل نمی‌کند. شی جین‌پینگ در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست به کنگره بیستم گفت که اتحاد کامل دوباره [تایوان و چین] بی‌تردید تحقق خواهد یافت. در این گزارش، بر حل مسالمت‌آمیز مسئله تایوان تأکید شده است. با این حال، بر اساس گزارش مزبور، چین قول نمی‌دهد که از کاربرد نیروی نظامی دست بکشد، گرچه تأکید دارد که این گزینه فقط در برخورد با دخالت خارجی و جدایی‌طلبی داخلی منظور خواهد شد.

شیوه چینی مدرن سازی

مدرن سازی چین، کشوری در حال توسعه با جمعیتی بیشتر از ۱/۴ میلیارد نفر که بیش از مجموع جمعیت همه کشورهای در حال توسعه است، در مسیر خاص خود آن کشور صورت می‌گیرد. به بیان شی جین‌پینگ: "مدرن سازی چینی شیوه‌ای سوسیالیستی است که با رهبری حزب کمونیست چین پیگیری می‌شود. این شیوه شامل عناصری مشترک با روندهای مدرن سازی در همه کشورهای است، اما بیشتر با ویژگی‌هایی مشخص می‌شود که منحصر به وضعیت مشخص چین است." به بیان کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، این نظریه در ده سال "غیرعادی و فوق‌العاده" گذشته مطرح شد.

شی جین‌پینگ می‌گوید: "ما خطرات و چالش‌ها و آزمون‌های متعددی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک، و طبیعی پشت سر گذاشته‌ایم." بر اساس بیانیه مصوب هفتمین نشست (پلنوم) کمیته مرکزی منتخب کنگره نوزدهم، که در آستانه برگزاری کنگره بیستم برگزار شد، این خطرات شامل همه‌گیری کووید-۱۹، جدایی‌طلبی و دخالت‌های خارجی، و چالش‌هایی بود که بحران اوکراین به وجود آورد.

برنامه درازمدت برای مدرن سازی

حزب کمونیست چین در برنامه خود برای مدرن سازی به شیوه چینی دو مرحله در نظر گرفته است. مرحله اول: تحقق مدرن سازی سوسیالیستی از سال ۲۰۲۰ تا سال ۲۰۳۵. و مرحله دوم که از سال ۲۰۳۵ تا میانه قرن میلادی کنونی ادامه خواهد داشت: تبدیل کردن چین به یک کشور سوسیالیستی مدرن مرفه، پرتوان، دموکراتیک، از نظر فرهنگی پیشرفته، هماهنگ، و زیبا. بیستیمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین در زمانی بحرانی برگزار شد و رهنمودهایی در مورد تعهد قاطع حزب به اداره کشور در جهانی در حال دگرگونی ارائه داد. پنج سال آینده، یعنی در مدتی که کمیته مرکزی منتخب کنگره بیستم حزب کمونیست چین متصدی رهبری حزب خواهد بود، دوره‌ای حساس و بسیار مهم برای پیشبرد مدرن سازی در چین خواهد بود.

ادامه انتخاباتی با اهمیت تاریخی در برزیل

از آن در سراسر جهان شناخته شده است: لولا. دلیل این امر این است که لولا در دوران ریاست جمهوری اش (از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ / ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹) از هشتاد کشور دیدار کرد و به مدافع اصلی سازمان‌های مختلف منطقه‌ای مانند جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (CELAC) و گروه بریکس (BRICS) شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تبدیل شد. در حالی که ایالات متحده تلاش می‌ورزد نظم جهانی یکجانبه‌اش را حفظ کند، لولا بار دیگر می‌کوشد با احیای سازمان‌ها و تشکل‌هایی منطقه‌ای مانند بریکس، چندجانبه‌گرایی و چندقطبی‌گرایی را رواج دهد. بخشی از این برنامه - همان‌طور که لولا گفته است - تقویت منطقه‌گرایی در قاره آمریکا از طریق توسعه ابزارهای عملی در شکل‌گیری این مناطق خواهد بود. برای نمونه، ایجاد ارزی منطقه‌ای به نام "سور" است که نه تنها در تجارت بین کشورها، بلکه برای نگهداری در خزانه‌های پولی نیز می‌تواند استفاده شود. از سال ۲۰۱۰ / ۱۳۸۹ که لولا کنار رفت، نیاز به چنین جایگزین‌هایی در قبال سلطه ایالات متحده در جهان افزایش یافته است. باید دید آیا لولا خواهد توانست رهبری منطقه‌گرایی‌ای مردم‌محور ضروری را که در جهان جنوب غایب است به پیش ببرد. لولا البته باید نخست در انتخابات پیروز شود. او به خیابان‌ها بازگشته است و پیروزی قاطع در برابر بولسونارو را انتظار دارد. اگرچه حتی اگر بر بولسونارو هم پیروز شود بولسونارو بیست‌امین اکنون در زندگی سیاسی کشور (بعویژه در قانون گذاری) ریشه دارد.

ادامه در سند راهبرد (استراتژی) امنیت ملی ...

برنامه ریزی برای جنگ سرد بعدی

در این سند برای تضمین سرکردگی ایالات متحده و مهار چین در نظم بین‌المللی، چندین گام ویژه پیش‌بینی شده است. پیش از همه، سرمایه‌گذاری‌های جدید در تولید تجهیزات نظامی فربه شده ایالات متحده است. بودجه دفاعی سال جاری ایالات متحده با شکستن رکورد به بیش از ۸۳۸ میلیارد دلار رسید که بالاتر از رقمی است که رئیس‌جمهور بایدن از مجلس نمایندگان درخواست کرده بود. ایالات متحده بیش از مجموع ۹ قدرت بزرگ در جهان و بیش از سه برابر چین برای تولید جنگ‌افزار هزینه می‌کند. این کشور کم‌وبیش ۷۵۰ پایگاه نظامی خارجی در بیش از ۸۰ کشور جهان دارد. چین تنها پنج پایگاه نظامی برون‌مرزی دارد. پس از اعلام راهبرد امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا، در هفته‌های آینده قرار است پنتاگون سند "راهبرد دفاع ملی" را انتشار دهد که دستاویزی برای روانه کردن پول بیشتر از صندوق مالیات‌های دریافت شده در ایالات متحده به سمت هزینه‌های نظامی خواهد شد. همچنین انتظار می‌رود که بیانیه "بازبینی وضعیت هسته‌ای" ایالات متحده که بخشی از برنامه‌های دولت بایدن برای به‌سازی زرادخانه تسلیحات هسته‌ای این کشور است به‌زودی اعلام شود. گام دوم نیرومندتر ساختن اتحاد‌های نظامی سنتی مانند ناتو "بعویژه در جناح شرقی" آسیا را در بر می‌گیرد. گام سوم چیدمان جدید در هماهنگی و هم‌استی سیاست‌های استرالیا، بریتانیا، و ایالات متحده در ارتباط با پیمان آوکوس (AUKUS) برای ساختن ناوگان زیردریایی هسته‌ای برای استرالیا که هدف آن محاصره چین در اقیانوس آرام است ترویج و گسترش خواهد یافت. همین امر در مورد پیمان‌هایی منطقه‌ای مانند گفتگوی چهارجانبه امنیتی یا به‌اختصار "کوآد" ("Quad" صدق می‌کند.

در اصل، راهبرد امنیت ملی دولت بایدن بر تقویت محاصره چین متمرکز است که ایالات متحده در طول سال‌های گذشته برای دستیابی به آن از پای ننشسته است. هدف دیگر، تضعیف روسیه از طریق تداوم جنگ در اوکراین و در محاصره گرفتن اقتصاد ضعیف روسیه پس از آن در نظر گرفته شده است. هرچند راه‌کنش‌های جدید دولت در جنگ سرد ممکن است تهاجمی به‌نظر آیند، اما برای برخی از جنگ‌افروزان هنوز کافی نیستند. کوری شاک، مدیر مؤسسه امریکن اینترپرایز، اندیشکده‌ای دست‌راستی که نظریه‌پردازان پشتیبان سرمایه‌داری آن را می‌گردانند، سند راهبرد بایدن را به‌انتقاد گرفت. او به نیویورک تایمز گفت که بودجه نظامی در نظر گرفته شده کنونی دولت را برای "توسازی" پُرشتاب مناسب و کافی نمی‌داند. او ماه گذشته در نوشته‌ای در تایمز نوشت "کاستی‌های سند راهبرد دولت بایدن و نبود دوراندیشی در آن" را باید عامل‌های پیشی گرفتن چین دانست. شاکه مدعی شد: "ناوگان دریایی، شمار نیروها، هواپیماهای جنگنده و پدافند موشکی [ایالات متحده] در اقیانوس آرام با توانایی چین هم‌خوانی ضعیفی دارند."

بنابراین، جدال در واکنش بین طیف‌های گوناگون در اردوگاه طرفدار جنگ سرد است. جدا از چند تن انگشت‌شمار نماینده پیشرو در کنگره آمریکا، کم‌وبیش هیچ صدایی برای خواست تنش‌زدایی، همکاری یا خلع سلاح به‌گوش نمی‌رسد. انتخابات میان‌دوره‌ای ایالات متحده فرصت مناسبی است تا بتوان از کنترل بودجه نظامی به‌دست گروه راست‌گرایان جنگ‌طلب از حزب جمهوری خواه در مجلس جلوگیری کرد. اما حتی اگر حزب دمکرات قدرت را در سال جاری و سپس در ۱۴۰۳ حفظ کند، وضعیت حاضر و غیرپذیرفتنی سیاست خارجی آمریکا ادامه خواهد داشت. همه این پیش‌آمدها نشان‌دهنده ناکارآمدی جنبش سازمان‌یافته صلح و ضرورت بی‌درنگ گردهم آمدن ائتلاف‌های دموکراتیک است که باید در تدوین سیاست‌های مترقی داخلی و خارجی کشور بکوشند و آن‌ها را به خواست‌های جنبش بیفزایند. هر پولی که برای جنگ‌افزار و جنگ هزینه می‌شود، پولی است که برای خدمات بهداشت و درمان، آموزش، اشتغال، مسکن، و زیرساخت‌ها هزینه نمی‌شود.

مدرن سازی چین ادامه می یابد نگاهی به تصمیم های اساسی کنگره بیستم حزب کمونست چین



آنچه می خوانید، گزارش مختصر آقای ژائو یونفی، خبرنگار شبکه جهانی تلویزیون چین (CGTN)، از برگزاری کنگره بیستم چین است که روز یکشنبه ۲۴ مهر (۱۶ اکتبر) گشایش یافت و تا روز شنبه ۳۰ مهر (۲۲ اکتبر) ادامه داشت. کنگره های حزب کمونیست چین هر پنج سال برگزار می شود. به علت اینکه تصمیم ها و برنامه های راهبردی اساسی حزب کمونیست چین، حزب حاکم در آن کشور، در کنگره ها تدوین و تصویب می شود و مسیر آینده کشور را مشخص می کند، این کنگره ها رویداد بسیار مهمی در زندگی چینی ها محسوب می شوند. ژائو یونفی می نویسد: روزنامه نگاران در اوایل صبح روز ۱۶ اکتبر (۲۴ مهر) به تالار بزرگ خلق رسیدند و تهیه گزارش درباره مهم ترین رویداد حزب کمونیست چین در سال های اخیر را آغاز کردند. من هم یکی از آنها بودم. بسیاری از ما در رسانه ها مشتاق بودیم بدانیم و بشنویم که حزب حاکم در چین چگونه قرار است گذشته و حال را ارزیابی کند و، مهم تر از آن، چشم انداز آینده توسعه چین را ترسیم کند.

در جلسه گشایش بیستمین کنگره، رئیس جمهور شی جین پینگ در جریان ارائه گزارش کمیته مرکزی منتخب نوزدهمین کنگره به نمایندگان حاضر در کنگره بیستم، برای نخستین بار مفهوم "مدرن سازی چینی" را به دقت توضیح داد. بسیاری از همکاران رسانه ای من معتقد بودند که طرح کردن این مفهوم نشانه روشنی از استراتژی خاص توسعه چین است که با الگوهای غربی متفاوت است.

طی پنج سال گذشته [از کنگره نوزدهم تا امروز]، من به سراسر چین سفر کرده ام و شاهد این بوده ام که چگونه حزب کمونیست چین مفهوم "شیائوکانگ" را به مردم شناسانده است، اصطلاحی که به "جامعه ای به نسبت مرفه از هر لحاظ" ترجمه می شود. این مفهوم زمانی محقق شد که چین پیش از صد سالگی حزب کمونیست در سال ۲۰۲۱ توانست فقر مطلق را ریشه کن کرد. طی این سال ها شاهد لحظاتی از آشفستگی و سرگشتگی نیز بودم، از جمله در روزهای آغازین شیوع کووید-۱۹ در شهر ووهان و نیز در جریان بحران اوکراین. حزب کمونیست چین، بزرگ ترین حزب حاکم در جهان، در رویارویی با چالش های داخلی و بین المللی دانش و خرد خود را به کار گرفت و مسیر آینده خود را برای ساختن یک "کشور سوسیالیستی مدرن از هر لحاظ" تعیین کرد.

مدرن سازی رفاه عمومی برای همه

بهبود وضعیت زندگی و معیشت مردم در مناطق روستایی کمتر توسعه یافته از دیرباز در

اولویت دولت چین قرار داشته است. حتی یک دهه پیش، در چین هنوز ۹۸/۹۹ میلیون نفر تهی دست در مناطق روستایی زندگی می کردند. حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۲ "خط فقر" جدید را سالانه ۲۳۰۰ یوان (۳۱۸ دلار آمریکا) برای هر نفر تعیین کرد و متعهد شد که تا سال ۲۰۲۰ درآمد همه چینی ها را به بالاتر از این خط فقر برساند [گفتنی است که در سال ۲۰۰۰، حد وسط مزد سالانه سرانه در چین ۸۲۵ دلار بود]. با وجود دشواری هایی که سر راه بود، این هدف محقق شد. این موفقیت یکی از سه رویداد عمده دارای ضرورت فوری و اهمیت تاریخی برای آرمان حزب و مردم در ۱۰ سال گذشته بود.

شکاف درآمدی بین ساکنان شهری و روستایی بالاخره کاهش یافته بود. چین می خواست این نوع تلاش ها و همچنین احیای روستایی را ادامه دهد: توسعه کشاورزی و روستایی را بهبود بخشد و عرضه مداوم و مستقل مواد غذایی را تضمین کند. احیای روستایی جنبه ای از توسعه با کیفیت عالی بوده که ترویج گشایش اقتصادی با استاندارد برتر را نیز در هدف داشته است. برنامه این بود که نظر همگان برای دستیابی به رفاه جلب شود و همه با این طرح همراهی کنند.

مدرن سازی سازگاری انسان با طبیعت

توسعه اقتصادی نباید به هزینه تخریب محیط زیست صورت بگیرد؛ این رویکردی است که چین در روند دستیابی به رشد پایدار و زیست پذیر داشته است. چین در کنترل و کاهش آلودگی پیشرفت چشمگیری داشته است. میانگین غلظت ذرات ۲/۵ میکرونی (یا کوچک تر) در هوا (PM2.5)، از ۴۶ میکروگرم (هزارم گرم) در هر مترمکعب در سال ۲۰۱۵ به ۳۰ میکروگرم در سال ۲۰۲۱ کاهش یافت. سرعت بهبود کیفیت هوا در چین برای همه شگفت آور بود و در جهان تحسین شد.

همچنین، چین تعهدهای نانوشته بین المللی برای خودش در عرصه محیط زیست مقرر کرده است. چین، به ابتکار خودش، قول داده است که تا سال ۲۰۳۰ از مرز حداکثر نشر دی اکسید کربن عبور کند و پیش از سال ۲۰۶۰ به وضعیت "کربن خنثی" [برابری میزان نشر گازهای کربنی و جذب آنها از هوا] برسد. روشن است که برای کشور در حال توسعه ای مثل چین، که مدت های طولانی به مصرف زغال سنگ متکی بوده است، رسیدن به این هدف ها چقدر دشوار خواهد بود.

چین در تدارک رسیدن به هدف های تعیین شده، دست به کار تغییر سریع در زیرساخت های صنعتی، در اتکا به منابع خاصی از انرژی، و در ترکیب وسایل مورد استفاده در بخش حمل و نقل شده است. این تلاش ها نشان دهنده جدی بودن آن کشور در مبارزه با تغییرات آب و هوایی زبان بار است. از دیدگاه سیاسی، چین مشوق و نیروی محرک مهمی در روند حفاظت جهانی از آب و هوا بوده است.

ادامه در صفحه ۱۵

کمک مالی رسیده

به مناسبت هشتادویکمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ها

از آمریکا ۵۰۰ دلار

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس پستی:

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 1167
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

24 October 2022

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

